

خانواده مبلغان ۶

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال اول - شماره ۶ - شوال المکرم ۱۴۴۴

من
روزی مو
میارم!



تخیر مفهوم خانواده در غرب

از حمیره بپرسید!

نور، صدا، حرکت!

خطرات یک مشور (۱)

ملح و بچه ها

انتخابات رایج در نظارت بر تلفن همراه فرزندان

خانواده مبلغان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ

شوال المکرم ۱۴۴۴ ق

۳۰

تلاش برای جوانی جمعیت وظیفه ضروری همه است

تلاش برای افزایش نسل، و جوان شدن نیروی انسانی کشور و حمایت از خانواده، یکی از ضروری‌ترین فرائض مسئولان و آحاد مردم است. این فريضه درباره‌ی افراد و مراکز اثرگذار و فرهنگ‌ساز، تأکید بیشتر می‌یابد. پیام رهبر انقلاب به فعالان حوزه جمعیت

mobaleghankhanvade.ismc.ir





خانواده مبلغان ۶

ماهنامه اطلاع‌رسانی، علمی، آموزشی
سال اول- شماره ۶
شوال ۱۴۴۴ قمری
اردیبهشت ماه ۱۴۰۲ شمسی

شناسنامه

۱. مطالب «خانواده مبلغان» ویژه همسران و فرزندان طلاب و مبلغان است.
 ۲. مسئولیت مقالات و نوشته‌ها بر عهده نویسندگان است.
 ۳. مقالات و یادداشت‌های همه نویسندگان، به شرط برخورداری از موازین تبلیغی- پژوهشی، منتشر می‌شود.
 ۴. نقل مطالب با ذکر منبع مجاز است.
 ۵. ماهنامه در تلخیص و ویرایش مقالات و نوشته‌ها، آزاد است.
 ۶. با ارسال نظرات خود، ما را در رشد و بالندگی ماهنامه یاری نمایید.
- صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
 - مدیرمسئول: محمود مقدمی
 - سردبیر: جواد قراباغی
 - هیئت تحریریه: حسین ملانوری، اصغراخوی، مهدی هادی، علی ملکوتی‌نیا، علیرضا زنگویی، محمد حامد مبینی راوندی، هاجر شعبانی موسی کلایه، سیده منیر سیدتقیان، رضیه جبرئیل‌زاده، زینب رحیمی تالارپشتی.
 - مدیر اجرایی: احمد اسماعیلی
 - صفحه‌آرا و امور هنری: سید محسن حسینی

نشانی: قم، زنبیل آباد، بیست متری فجر، خیابان دانش، مجتمع شهید صدوقی، فاز ۷، مرکز پژوهش‌های تبلیغی، دفتر ماهنامه خانواده مبلغان.

صندوق پستی: ۳۷۱۳۶۶۴۷

تلفن: ۰۵۳۳۱۳۲۵۶۴

پایگاه اطلاع‌رسانی: <http://mobaleghankhanvade.ismc.ir/>

فهرست

پیام فرمانده (تربیت با مادر است)..... ۳

احسن الحال..... ۴

دانش‌افزایی

تعبیر وارونه‌ی یک رؤیا..... ۷

راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان ۲ ۱۰

همراهان ۱ (از حمیده بپرسید!)..... ۱۵

حاج آقای مشکل‌گشا ۲ (عیب‌نداره میتونن باهم ازدواج کنن!)..... ۱۸

بسته ضرورت‌ه ۵ (مراقب هوای زندگیمون باشیم!)..... ۲۴

اشتباهات رایج در نظارت بر تلفن همراه فرزندان..... ۲۹

دوست و همراه خوبم..... ۳۵

چی بخونیم؟ (محبت را زندگی کنیم)..... ۳۸

نور، صدا، حرکت!..... ۴۲

خاطرات یک مشاور ۱..... ۴۷

مهارت‌افزایی

عوامل زمینه‌ساز وفاداری در خانواده ۴..... ۵۳

من نقش تو، تو نقش من..... ۵۹

تربیت صحیح کودکان..... ۶۴

بصیرت‌افزایی

تغییر مفهوم خانواده در غرب..... ۶۹

با مخاطبان

خاطرات تبلیغی ۶ (من و بچه‌هام)..... ۷۴

از جان و دل ۲..... ۷۸

می‌تونن بگی؟..... ۸۲



پیام فرمانده

تربیت با مادر است

مادر، فرهنگ و معرفت و تمدن را به فرزند منتقل می‌کند. اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش [مادری] با هیچ نقش دیگری، قابل مقایسه نیست... مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با حُلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آن‌که بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است^۱.



پی‌نوشت

۱. بیانات رهبرمعلم انقلاب علیه السلام، مورخ ۱۳۸۴/۵/۵.



احسن الحال

محمودمقدمی

مقام عظمای ولایت حضرت امام خامنه‌ای عنه‌السلام در سخنرانی نوروزی سال ۱۴۰۲ در کنار مضعع شریف ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه‌السلام نکات مهم کشور را از جهات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... مورد بررسی قرار داده و با محور قرار دادن عبارت «**حَوْلَ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ**» از دعای تحویل سال، برنامه

سال ۱۴۰۲ را ایجاد تحول اعلام فرمودند؛ سپس با بیان ضرورت بررسی نقاط قوت و ضعف نظام، مسئولان و مردم، به برخی از این نقاط اشاره فرمودند.

بدیهی است که مخاطب بسیاری از فرمایشات معظم‌له مسئولین، برنامه‌ریزان و مدیران کشور هستند، اما ایشان در برخی از فرمایشاتشان



به نقاط ضعف عموم مردم نیز اشاره کردند که از جمله آن‌ها اسراف، تجمل‌گرایی و عدم تعصب بر مصرف تولیدات داخلی بود. به نظر می‌رسد مخاطب این بخش از فرمایشات مقام معظم رهبری علیه‌السلام بیش از هر بخشی دیگری خانواده‌ها باشند. هرچند تجمل‌گرایی، اسراف و غرب‌گرایی در لوازم‌خانگی و اداری در بین مسئولین هم فراوان است، ولی اگر قرار است جامعه‌ای اصلاح شود، یکی از راه‌های اساسی آن اصلاح خانواده‌هاست. اگر در خانواده‌ای صرفه‌جویی عادت شده و اسراف زشت شمرده شود؛ اگر تجمل‌گرایی و اندوختن طلا و جواهر ضد ارزش تلقی گردد، رفته‌رفته جامعه نیز اصلاح می‌گردد. در این خصوص معمولاً افراد شاخص و خانواده‌ی ایشان اثرگذاری بیشتری دارند و خواسته یا ناخواسته الگوی سایرین در جامعه خواهند شد. پس اگر بزرگان هر فامیل، یا هر شهر و روستا و محله‌ای،

تجمل‌گرا و اسراف‌کار باشند، این تجمل‌گرایی و اسراف تا اعماق خانه‌های آن جامعه، شهر و محله رسوخ خواهد کرد و در این میان روحانیون، مبلغان و خانواده‌هایشان که باید الگوهای عملی جامعه باشند و هستند، بیشترین نقش را خواهند داشت. اکثریت خانواده‌های مبلغان که تاکنون نیز واقعاً الگوهای صبر و استقامت و زندگی زاهدانه طلبگی بوده‌اند از این به بعد بار سنگین‌تری بر دوش دارند و لازم است در این رابطه به دو نکته توجه ویژه داشته باشند:

نکته اول:

الگو بودن، حرف زدن و سخنرانی کردن نیست. الگوها با رفتار عملی و سبک زندگی خود به دیگران می‌فهمانند که چگونه باید زیست و روش درست زندگی و بندگی کدام است. آن‌ها در عمل می‌گویند که لذت‌های معنوی از این تجملات بسیار لذیذتر و ارزشمندتر است.

نکته دوم:

اگرچه گاهی مصلحت نیست که مبلغان یا خانواده‌هایشان از زندگی خود سخن بگویند؛ ولی می‌توانند با بیان داستان زندگی سایر علما و مبلغان موفق و تبیین سبک زندگی ایشان بهترین الگوها را برای عموم مردم ارائه نمایند و به این ترتیب برای ارائه سبک زندگی ایرانی اسلامی و تغییر و تحوّل کوشا باشد بلکه خدا هم حال ما و جامعه ما را به احسن‌الحال تغییر دهد.

تعبیر وارونه‌ی یک رؤیا

رقیه حیدری آل کثیر - دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه - کارشناس مشاوره

نمی‌شوند»، پس چنین خواب‌هایی واقعیت دارند و باید به دستورات امام عَلَيْهِ السَّلَام در این خواب‌ها عمل کرد. مانند خوابی که چندین نفر در تأیید فردی که خود را وصی امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام معرفی می‌کرد، دیده‌اند...

گفتم: در جامعه‌ی ما باورپذیری نسبت به خواب، خیلی بالاست و متأسفانه برخی جریان‌های دروغین دقیقاً

گفت: بعضی افراد امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را در خواب می‌بینند و حضرت مطالبی را به آنان می‌فرمایند، افرادی را تأیید یا رد می‌کنند یا انجام کاری را می‌خواهند. طبق روایتی که حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرموده‌اند:

«هرکسی در خواب مرا دید، به راستی مرا دیده؛ زیرا شیاطین به صورت من و اوصیای من در خواب و بیداری مجسم

از همین باور برای فریب مردم دکان باز کرده و به‌ویژه در موضوع مهدویت بهره می‌برند. بر اساس دسته‌بندی خواب‌ها در آیات و روایات،^۲ اکثر خواب‌ها بدون تعبیر هستند و تشخیص صادق بودن یا نبودن آن با کسانی است که از جانب خداوند به علم تعبیر خواب آگاهی دارند.^۳

در ضمن خواب‌ها اگر صادق هم باشند، برای فرد تکلیف‌آور نیستند و تأیید و تکذیبی که در خواب حاصل شود، برای کسی تکلیف شرعی درست نمی‌کند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند:

«إِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يُرَى فِي النَّوْمِ»^۴؛ دین خداوند متعال برتر از آن است که در خواب دیده شود [به‌وسیله خواب اثبات گردد].



علامه حلی رحمه الله در این موضوع تبیین جالبی دارند که مطلب را برایمان روشن ترمی کند؛^۵ ایشان می‌فرمایند:

اگر شخصی در خواب به‌صورت امام معصوم علیه السلام ظاهر شود و دستوراتی صادر کند، دو حالت دارد؛ یا آن دستور مخالف قرآن و سنت است، یا موافق. اگر مخالف بود که هیچ؛ اگر موافق بود، عمل به آن دستور جایز است اما واجب، نه.



درباره‌ی این حدیث نبوی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم که خواندی، **مرحوم نراقی رحمه الله** نکته‌ی

مهمی می‌فرمایند: «دیدار معصوم علیه السلام در خواب فرع آن است که او را در بیداری دیده باشیم!»^۶.

کسانی که ادعا می‌کنند خواب امام زمان علیه السلام را دیده‌اند، مگر قبلاً در بیداری چهره‌ی مبارک امام علیه السلام را مشاهده کرده‌اند که بتوانند تشخیص دهند آن شخص امام بوده؟!

نتیجه: خواب نه حجت است نه تکلیف‌آور!

درحالی‌که آیات و روایات صحیح‌السند برای تعیین تکلیف مؤمنان کافی هستند، چه لزومی به تمسک به خواب و رؤیا هست؟

مراقب باشیم صاحبان دکان‌های کاغذی با تعریف خواب و رؤیاهای

ساختگی، فریبمان ندهند.

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۴۹، ص ۲۸۳.
۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «الرُّؤْيَا عَلَى ثَلَاثَةِ وُجُوهِ بِشَارَةٍ مِنْ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ وَتَحْذِيرٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَأَصْعَابٌ أَخْلَامٍ؛ خواب و رؤیا سه گونه است: گاه بشارتی از سوی خدا به شخص با ایمان است و گاه القای وحشتناکی از سوی شیطان و گاه خواب‌های پریشان»؛ الکافی، شیخ کلینی، انتشارات اسوه، تهران ۱۳۷۶، ج ۸، ص ۹۰. برای مطالعه بیشتر رک: به تفاسیر روایی ذیل آیه ۱۰ سوره مجادله و آیه ۶۰ سوره اسرا.
۳. درس‌نامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری، علی محمدی هوشیار، انتشارات تولی، قم ۱۳۹۵، ص ۱۶۹.
۴. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۲۳۷.
۵. درس‌نامه نقد و بررسی جریان احمد الحسن بصری، ص ۱۷۰.
۶. مناهج الاحکام، میرزای قمی، انتشارات جامعه مدرسین، قم، پایان بحث خبر واحد، ص ۲۳۲.



اکرم جعفری ثانی
کارشناس ارشد مبانی فقه و حقوق
زهراناطق اینانلو
کارشناس ارشد علوم حدیث



راهکارهای تقویت حجاب دختران جوان ۲

بدون شک، تحقق تربیت دینی و فرهنگ اجتماعی در خانواده و جامعه، نیازمند آموزش و کسب مهارت است. با استفاده از ظرفیت‌های حضور مبلغان همراه با خانواده در مکان‌های مذهبی مثل شهر مقدس قم، مشهد و یاروحانی طرح هجرت، ائمه جمعه و جماعت مساجد و ... می‌توان رعایت حجاب و عفاف را که یکی از مصادیق تربیت دینی و فرهنگ اجتماعی در خانواده و جامعه، با توجه به وضعیت حجاب در جامعه‌ی فعلی، می‌توان گفت: یکی از دغدغه‌های برخی خانواده‌های طلاب و مبلغان دین، شناخت راه‌های تشویق و ترغیب دختران خود و جامعه، نسبت به حجاب است. در شماره چهارم ماهنامه، برخی از راهکارهای تقویت حجاب ذکر شد، در این شماره نیز به بیان یکی دیگر از راهکارهای پردازیم؛

تداوم رفتار حجاب:

در این میان، ترویج فرهنگ رفتاری عفاف و حجاب مهم‌ترین گام در راستای تحکیم بنیان خانواده است؛ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِمَ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ...»^۳؛ ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگوروسری‌ها و چادرهای خود را بر خویش بیفکنند این (کار) نزدیک‌تر است به آنکه (به عفت و

یکی از راه‌های گسترش حجاب در نوجوانان، تربیت در درون خانواده است. تداوم رفتاری حجاب در خانواده با جهت‌دهی به نگرش‌ها و گرایش‌های کودکان و نوجوانان می‌تواند از دو طریق، رفتار بر حسب عادت و رفتار از روی خلاقیت صورت بگیرد.

۱: تداوم یک رفتار بر حسب عادت

پاکدامنی (شناخته شوند تا مورد تعرض و آزار (فاجران) قرار نگیرند در اهمیت مسئله تداوم رفتاری حجاب و لزوم غیرت‌ورزی مردان می‌توان به آیه ۶ سوره تحریم اشاره کرد؛ خداوند از مردان خواسته خانواده‌ی خود را از آتش دور نگه دارند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا فَوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا ...».

نقش خانواده در تربیت دینی حجاب و افزایش انس با آن بر کسی پوشیده نیست؛ رسم بیشتر خانواده‌ها بر طبق آموزه‌های قرآنی خطاب به پیامبر ﷺ در قالب امر، نهی، خواهش و تمنا صورت می‌گیرد. پیامبر اکرم ﷺ مأمور تبلیغ دین در خانه قبل از جامعه می‌شود: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۴ و در آیات دیگر به ایشان خطاب می‌شود: خانواده‌ات را به نماز امر کن؛ «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ»^۵.

ناگفته نماند بنا بر تأکید قرآن در انتقال مفاهیم دینی زبان لپن و دل‌نشین سبب جذب و تأثیر می‌گردد.^۴

روی رضایت به پوشش خود بپردازد، بسیار مورد اهمیت است. اگر مبلغان، فرزندان دختر خود را از سنین خردسالی با این مفهوم آشنا نکنند و بگذارند با لباس‌های نامناسب دوران کودکی خود را سپری کنند، زمانی که به سن تکلیف می‌رسند، الزام پدر و مادر، برای پوشش حجاب برتر (چادر) برایشان سنگین بوده و گاهی ممکن است منجر به هنجارشکنی گردد.

لازم است برای تأثیر بیشتر در مسئله‌ی «کار هنری و کار زیبای تبلیغی» صورت گیرد. استفاده از هنرمندی‌های بیان زیبا و ملموس می‌تواند سبب انگیزه‌ی حجاب برتر شده و رفتار تربیتی متناسب مبلغان در خانواده با این هنرمندی‌ها، نوعی حمایت و پشتیبانی فکری از نوجوانان می‌گردد.

بهره‌مندی از خلاقیت و علاقه‌مندی‌های فرزندان، راهبرد سازنده دیگری است.

گاهی رفتار همراه با امرونه‌ی با مقاومت روانی نوجوان روبه‌رو می‌شود و اگر اصول تربیتی و شیوه‌ی صحیح ارتباط با او رعایت نشود، نتیجه‌ی معکوس خواهد داد. همه این‌ها زمینه‌ای است برای عاقبت‌به‌خیری و توجه به معادباوری که فرزندان دختر نیز از این قاعده مستثنا نیستند؛ «إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»؛^۵ ما آنچه را که انجام می‌دهید می‌نویسیم.



۲. تداوم رفتار با خلاقیت

چگونگی تشویق به حجاب فرزندان در سنین نوجوانی به‌گونه‌ای که او از

است از آرایش کودکان در مراسم‌ها و مجالس زنانه پرهیز شود! چراکه به نظر می‌رسد کودک جذابیت و زیبایی را در آرایش ببیند و وقتی بزرگ شد، علاوه بر دستخوش تهدید قرار دادن سلامتی پوست کودک و گرایش به جلوه گرایی، همواره در خود احساس نیاز به دیده شدن را داشته باشد و در محافل و مراسم اجتماعی در نوجوانی و جوانی به این صورت حاضر شدن را ترجیح دهد. عدم توجه به این مهم، مسئله‌ای است که متأسفانه امروزه کم‌وبیش مشاهده می‌شود.

افرادی که می‌خواهند در این جهان زندگی نامناسب و بی‌قید و شرطی داشته باشند، برای خود عذرهایی می‌تراشند؛ از جمله اینکه کافی است انسان دلش پاک باشد و انجام اعمال عبادی لزومی ندارد، دلم می‌خواهد آزاد باشم، ولی در قیامت به این قبیل عذرها توجهی نمی‌شود. زیرا وجدان

دختران در سن کودکی با عروسک و خاله‌بازی سرگرم می‌شوند پدر و مادر با هوشیاری و حوصله می‌توانند با پوشاندن لباس به سبک زندگی اسلامی به عروسک فرزند خود و استفاده از سلیقه دخترشان در دوختن و تهیه لباس‌های متنوع و جذاب برای اسباب‌بازی او بهترین و عمیق‌ترین درس حجاب را به او یاد بدهند.

همسان‌سازی لباس‌های خانگی مادر و دختری به رنگ‌های شاد و طرح‌های کودکانه راه دیگر برای استمرار پوشش مناسب خانواده مبلغان می‌تواند باشد.



از نکات مهم بهداشتی و پزشکی هم می‌توان به این مسئله توجه کرد که لازم

انسان‌ها گواهی می‌دهد که با آگاهی به دنبال بدی‌ها می‌رفتند.^۷

آگاهی دادن دختران نوجوان و همسران به تاریخ بدحجابی و عواقب بدحجابی، با استفاده از کتاب‌ها و اندیشه‌های جدید راهکار دیگری است که منجر به بازخورد مناسب خواهد شد؛ مثلاً مسترهمفر جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی می‌گوید: «باید زنان را تشویق کنیم که چادر از سر بیفکنند و جوانان را تشویق کنیم که به سوی آنان بروند تا فساد در میانشان

درجایی که قرآن آشکار شدن زینت را فقط برای محارم با اولویت شوهر و پدر و ... داده است؛^۹ ابراز محبت و توجه مبلغ در جایگاه شوهر و پدر به پوشش جذاب زن و دختران نوجوان در خانه می‌تواند به‌عنوان مشوقی برای تداوم رفتاری حجاب در بیرون از منزل باشد، چراکه توجه و تعریف مرد خانه از زیبایی‌ها و ابراز محبت رفتاری به زنان و دختران سبب رضای نیاز به دیده شدن این جنس می‌گردد.

رواج یابد»^۸

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. شعراء/۲۱۴.
۲. طه/۱۳۲.
۳. احزاب/۵۹.
۴. ﴿فَمَا زُحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ﴾؛ آل عمران/۱۵۹.
۵. جائیه/۲۹.
۶. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام؛ ۱۰/ خرداد/۶۳.
۷. دختران و مزاحمت‌ها، محمود اکبری، نشر فتیان ۱۳۸۹، چاپ سوم، ص ۱۱۱.
۸. خاطرات مستر همفر، ترجمه محمدحسن مروجی، انتشارات آینهی درخشان، ۱۳۸۹، ص ۷۰.
۹. ﴿وَلَا يُبَدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ ...﴾؛ نور/۳۱.



محمدحسن خدای - دانش آموخته حوزه علمیه

همراهان از حمیده علیها السلام برسید!

اشاره

اجمالی و سیره‌ی حضرت حمیده علیها السلام همسر ایشان و مادر امام کاظم علیه السلام که یکی از یاران و یاوران همیشگی امام صادق علیه السلام، بانوی ادب، ستایش شده در دنیا و آخرت، سرور مهذبین و خالص از پلیدی‌هاست، می‌پردازیم.

ایشان اهل بربر و نام پدرشان صاعد بوده است. یکی از القاب آن بانو «مصفا» است؛ یعنی پاک و خالص، زیرا امام صادق علیه السلام در مورد ایشان فرمودند:

«حَمِيدَةٌ مَصْفَاءٌ مِنَ الْأَدْنَسِ؛^۳ حمیده علیها السلام پاک شده است از پلیدی‌ها.»

بدون شک، همسران طلاب و مبلغان، در موفقیت مردان خود در عرصه‌ی تبلیغ و ترویج معارف اسلامی، نقش مهم و بسزایی دارند. به نظر می‌رسد آشنایی با سیره‌ی برخی همسران ائمه‌ی معصومین علیهم السلام که در ترویج معارف الهی موفق و مؤثر بودند، می‌تواند برای همسران طلاب و مبلغان، چراغ راه باشد. از این روی در این یادداشت به مناسبت ۲۵ شوال سال ۱۴۸ ه.ق که روز شهادت جان‌سوز امام صادق علیه السلام است؛ به معرفی

در خانه‌ی رسالت

کرد: «حمیده» امام باقر علیه السلام فرمودند: «**حَمِيدَةٌ فِي الدُّنْيَا مَحْمُودَةٌ فِي الْآخِرَةِ**؛ ستوده در دنیا و پسندیده در آخرت».

سپس امام علیه السلام، حضرت حمیده علیه السلام را به عقد امام صادق علیه السلام درآوردند و به فرزندشان فرمودند: «حمیده علیه السلام بزرگ کنیزان و سرور آن‌هاست. پاک و وارسته از پلیدی‌هاست، مانند شمش طلا. همواره ملائکه او را برای تو حفاظت می‌کردند تا به دستت رسید و این کرامتی است از ناحیه‌ی خداوند.»^۴

طلوع آفتاب هدایت

در فضیلت حضرت حمیده علیه السلام همین بس که وجود ملکوتی امام کاظم علیه السلام از ایشان متولد شد. زمانی که

عکاشه بن محسن نقل می‌کند: «خدمت امام باقر علیه السلام عرض کردم: «چرا برای اباعبدالله (امام صادق علیه السلام) زن نمی‌گیرید؟» امام فرمودند: «به زودی برده‌فروشی از اهالی بربر به اینجا می‌رسد و از او کنیزی خریداری می‌کنم». بعد از گذشتن مدتی از این جریان حضرت فرمودند: «بروید و با این کیسه از او کنیزی بخرید.» ما رفتیم درحالی‌که برده‌فروش، دو برده بیشتر نداشت. بهتر را قیمت کردیم. گفت: «هفتاد دینار». کیسه را گشودیم دقیقاً

هفتاد دینار بود و با آن کنیز را

خریده و خدمت امام باقر علیه السلام آوردیم. حضرت از او سؤال کرد:

«نامت چیست؟» عرض

حسن حسن

به او توصیه می‌فرمود که به تعلیم و ارشاد زنان پردازد و همچنین به زنان می‌فرمود که مسائل شرعی خود را از حمیده علیها السلام بپرسند.^۷

شیخ عباس قمی رحمه الله
در این باره می‌فرماید:
«آنچه از بعضی روایات



بر من ظاهر شده، آن است که آن مخدره چنان فقیهه و عالمه به احکام و مسائل بوده که حضرت صادق علیه السلام زن‌ها را امر می‌فرمود برای یادگیری مسائل و احکام دین، به حمیده علیها السلام مراجعه کنند.»^۸

پی‌نوشت

۱. مراکش امروزی.
۲. محدثات شیعه، غروی نائینی، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، تهران ۱۳۷۵، ص ۱۵۲.
۳. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، تهران ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۴۷۷.
۴. همان، ج ۱، ص ۴۷۶.
۵. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۳.
۶. اصول کافی، ج ۳، ص ۲۱۷.
۷. حیات الامام موسی بن جعفر علیه السلام، باقر شریف قرشی، انتشارات دارالبلاغه، بیروت، ج ۱، ص ۴۰.
۸. منتهی الامال، شیخ عباس قمی، انتشارات مبین اندیشه، تهران ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۳۷.

برای حج به منزل «ابواء» رسیدند و یکی این خبر شادمان کننده را برای امام صادق علیه السلام آورد و دامن حمیده علیها السلام خواستگاه باب الحوائج گردید.^۵

نیمی از اقیانوس

امین اهل بیت علیهم السلام

بانو حمیده یکی از وکلای امام صادق علیه السلام در جمع‌آوری خمس و وجوهات و تقسیم آن به صلاح‌دید ائمه اطهار علیهم السلام بود. به نحوی که امام کاظم علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: «پدرم همواره مادرم و ام فروه را اعزام می‌نمود تا حقوق مردم مدینه را پرداخت کنند.»^۶

عهد دار فقه اهل بیت علیهم السلام

حضرت حمیده علیها السلام به خوبی از محضر امام صادق علیه السلام استفاده کرد و به اندازه‌ای به علوم الهی دست‌یافت که موفق به نشر معارف اهل بیت علیهم السلام شد. به طوری که امام



حاج آقای مشکل گشا ۲

عیب نداره میتونن باهم ازدواج کنن!

محمد حسن شهبازی - دانش آموخته سطح ۲ تخصصی تبلیغ

سر سفره عقد نشسته بودند، هر دو خوشحال، خانواده‌ها و اقوام همه اومده بودن، همه از فرط خوشحالی حتی برای لحظه‌ای لبخند از روی لبهاشون برداشته نمی‌شد.

آقادماد از همه خوشحال‌تر، چون خیلی برای رسیدن به عروس خانوم دچار سختی شده بود و مورد ناملایمت‌هایی از طرف خانواده عروس قرار گرفته بود. ولی الان دیگه داشت تمام می‌شد.

شلوغی و صدای شعارهای عده‌ای اغتشاشگر توی خیابان، همه را کلافه کرده بود و اجازه نمی‌داد که صدای عاقد

برای خواندن خطبه‌ی عقد به همه برسه و هر لحظه داشت بیشتر هم می‌شد.

تا اینکه عاقد برای آخرین بار خواست اجازه وکالت بگیره، سرکار خانوم صدیقه صامتی برای بار سوم عرض می‌کنم آیا به بنده وکالت می‌دهید که شما را به عقد دائم آقای حسین صامتی با یک جلد کلام‌الله مجید، ۱۴ شاخه گل نرگس، یک آینه و شمعدان، ۱۴ سکه بهار آزادی و یک سفر زیارتی به عتبات عراق دربیارم؟

سکوت همه جا را فرا گرفته بود حاضرین منتظر جواب (بله) عروس خانوم بودن،

صدای تپش‌های قلب همه در او مده بود. عروس خانوم نفس عمیقی کشید، همه یه گوششون به صدای بیرون و یه گوششون هم به صدای صدیقه و به محضی که خواست بله را بگه، ناگهان صدای شکسته شدن شیشه و آمدن سنگی وسط سفره عقد کل مجلس را به هم ریخت.

ترک کنند و زود به سمت پناهگاه برن! عاقد هم دفتر عقد را بست تا مثل بقیه خودش رو به پناهگاه امنی برسونه!

ولی صدیقه و حسین همین جور روی صندلی هاچ وواج به همدیگر خیره شدن که چی شد؟ چرا یهویی این اتفاق افتاد؟! در این حین، خواهر حسین با تشر دوتاشون رو از این حالت خارج کرد تا به خودشون بیان.

همه سراسیمه مجلس را به هم زدند تا زود به مکان امن یا پناهگاهی برن.

همه توی حیاط جمع بودند و صدای همهمه و شکسته شدن شیشه‌ها از توی خیابان می‌اومد که ناگهان در حیاط چند نفر وسط سفره عقد می‌دویدن تا فرزنداشون را بغل کنن یا اینکه آنجا را



دفتر باز شد و تقریباً ۵۰ نفر دیگه از زن و بچه‌هایی که توی این اغتشاشات امکان آسیب دیدنشون بود، توسط نیروی انتظامی به داخل حیاط محضر هدایت شدند، ولی حُب اونجا هم امن نبود، دفتردار کلید یه سالن قدیمی عقد که انتهای حیاط بود را داد تا همه برن اونجا و فعلاً مردم در امان باشن.

تقریباً نصف اون محله اومدن داخل پناهگاه، عروس و مادر کنار همدیگر نشستن و حسین هم رو به روی اون‌ها، بچه خواهرش هم بغلش بود و همه حالت ترس و دلهره و نگرانی داشتن، مادری هم داشت بچش رو شیر می‌داد که

مادر صدیقه بحث رو با خانومه باز کرد:
-چی شده چه اتفاقی افتاده؟
-اومده بودیم خیابان مقداری خرید کنیم که این از خدایی خبرها نمی‌دونم یهویی از کجاریختن توی خیابون اصلی؟!
-عجب! خدا ازشون نگذره.
-چه بچه‌ی نازی، دختره یا پسر؟ چند تا بچه‌داری؟
-واقعیتش این پسرِ جاریمه، اسمش علی. من خودم یه دختر دارم بغل جاریم خوابیده.
-چه جالب! منم دامادم حسین آقارو چند بار در کودکی اش شیر دادم، آخه حسین با صدیقه خانوم، دخترعمو پسرعمو



حسین که اصلاً دوست نداشت این حرف رو بشنوه فوراً رو کرد به آقا مصطفی، شوهر طاهره خانوم که به خانومت بگو: چند روز دیگه رساله هم بده، فکر می‌کنه چند روز رفته هیئت و برای رزمنده‌ها نون بسته‌بندی کرده، چند ماهیه که همسایه حاج آقا جوادی شده و چند بار رفته خونشون دیگه می‌تونه جای ایشون هم جواب بده!

آقا مصطفی که مردی بسیار ملیح و آرام بود، با آرامش خاصی گفت: طاهره خانوم که از گفتن این حرف قصد بدی نداشت، اونم شنیده، بعدشم این جور مسائل باید دقیق بررسی بشه که آیا واقعاً این جور هست یا نه؟ ولی بالأخره ما هم باید به احکام شرعی پایبند باشیم، شاید مصلحتی بوده که هنوز عقدی صورت نگرفته.

به محضی که آقا مصطفی این حرف رو زد، حسین با مشت محکمی به صورت

هستن. دقیقاً ما هم شرایط شما رو داشتیم جاریم شیرش خیلی نبود و من چند روز به حسین شیر دادم.

طاهره خانوم هم که کنار همسر و پسرش نشسته بود و هم‌زمان به گفتگوی اونها گوش می‌داد تا این را شنید گفت: اگر این جور باشه صدیقه و حسین نمی‌تونن باهم ازدواج کنن، چون این‌ها خواهر برادر رضاعی‌می‌شن!

به محض گفتن این حرف، همه با نگاهی پر از تعجب و حالتی اعتراض به طاهره خانوم خیره شدن، اونم همین‌که داشت می‌گفت: پس نباید باهم ازدواج کنن و حرام هست، متوجه نگاه اطرافیانش شد و سکوت کرد...



و بعد از چند ثانیه سکوت، همه شروع به پچ پچ کردن.

اخلاصی که توی بیشتر کارهای جهادی و فرهنگی و حوادثی که اخیراً توی کشور اتفاق افتاده حضور داشته؛ از زلزله و سیل و کرونا گرفته تا جهاد تبیین، تقریباً همه حرفش رو قبول دارند.

حاج آقا هم پس از شنیدن ماجرا، اول مادر و زن عموی حسین رو خواست و ازشون سؤالاتی کرد، اینکه اون زمان حسین دقیقاً چند سالش بود؟ چند بار از مادر صدیقه شیر خورد؟ و...

جوابی که حاج آقا داد برای همه‌ی اهالی محل بسیار جالب و قابل تأمل بود، «که هیچ مشکلی نداره و حسین و صدیقه میتونن باهم ازدواج کنن!»

-چرا؟ یعنی حاج آقا برای اینکه دل این‌ها نشکنه یک چیز حرامی رو حلال کرده؟ یا اینکه کلاً این حرف از اساس اشکال داشته و اصلاً شیر خوردن محرمیت نمیاره؟
-نه، هیچ کدوم.

مصطفی بیچاره زد و تا دعوا خواست بیشتر بشه، اهالی محله مصطفی روز زیر مشت ولگدهای حسین نجات دادن.



همه به حسین با اون همه سختی که برای رسیدن به صدیقه کشیده بود و دل بستگی که داشت، حق می‌دادن که این همه نگرانی و دلهره داشته باشه.

ولی حُب متأسفانه، مصطفی بیچاره فعلاً قربانی این اشتباه مادرها و جاری شده بود.

این مشکل هم فقط به دست یکی حل می‌شد. اونم حاج آقای جوادی امام جماعت محل که هم مردی فقیه و عالم بود و هم مهذب.

حاج آقا توی این چند ماه واقعاً مشکلات خیلی‌ها رو حل کرده است. انسان با

دومرتبه بیشتر شیر نخورده بوده و اون مدت هم بهش غذا داده بودن. شیر را نباید درون شیشه شیر می‌ریختن. باید خودش از مادر شیر می‌خورده که این هم برای حسین اتفاق نیفتاده.^۲

پس ازدواجشون مبارک باشه...

ادامه دارد...



در واقع شیر دادن شرایطی داره که حسین در اون ایام کودکی هیچ‌کدام از شرایط رو نداشته و محرمیت با صدیقه به‌عنوان خواهر و برادر رضاعی برایشون حاصل نمیشه و می‌تونن باهم ازدواج کنن.

راستی شرایط چی بوده؟! ❓

❶ کودک باید زیر دو سال داشته باشه،

درحالی‌که حسین تا ۳/۵ سالگی شیر می‌خورده.

❷ حداقل باید یک شبانه‌روز کامل یا

۱۵ مرتبه شیر بخوره، به‌طوری‌که غیرازآن، از شخص دیگر شیر نخورده

یا غذایی نخورد. اما حسین فقط یک

صبح تا بعدازظهر پیش زن‌عموی

خودش یعنی مادر صدیقه بوده و

درسه یا چهارروز متفاوت و هر باری

پی‌نوشت

۱. اگر دختری یا پسری از زنی شیر بخورد، تمام فرزندان زن به او محرم شده و خواهران و برادران رضاعی شیرخوار می‌شوند.

۲. رساله توضیح المسائل مراجع (نه مرجع)، حاج شیخ لطیف راشدی، انتشارات پیام عدالت، چاپ چهارم

۱۳۸۷، ص ۱۳۶۷، مسئله‌ی ۲۴۷۳.

مراقب هوای زندگی‌مون باشیم!

سه ضروریّه

اکرم کاوری - دانش آموخته‌ی دوره طب ایرانی - اسلامی

در شماره‌های قبل، در اهمیت و ویژگی‌های هوای مناسب، آثار سوء آلودگی هوا بر روی بدنمان و راهکارهای کم کردن این آثار سوء، مطالبی را ذکر کردیم؛ در این شماره به بیان ادامه‌ی آن‌ها می‌پردازیم.



هوای مناسب برای افراد با مزاج‌های مختلف:

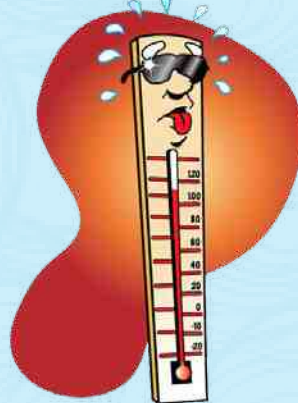
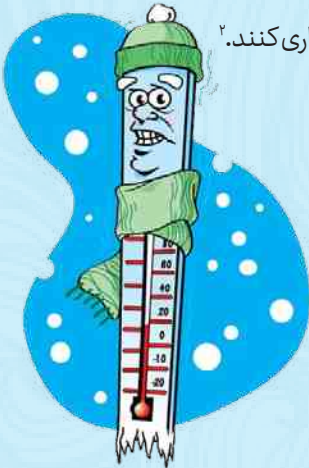
ببرند و به‌ویژه از هوای گرم و مرطوب پرهیز نمایند.

سوداوی‌ها (افراد سرد و خشک): بیش از هر چیز، باید به فکر درمان خشکی شدید پوستی زمستانه خود باشند و از هوا، محیط و فعالیت‌هایی که موجب افزایش سردی و خشکی می‌شوند خودداری کنند.^۲

صفاوی‌ها (افراد گرم و خشک): نیاز همیشگی به هوای خنک و تازه دارند.

بلغمی‌ها (افراد سرد و رطوبت‌دار): هوای کمی گرم و کمی خشک را می‌پسندند؛ لباس مناسب و گرمای کافی به‌ویژه در هوای مرطوب توصیه می‌شود.

دموی‌ها (افراد گرم و رطوبت‌دار): باید در گرما، به سرما و در سرما، به گرما پناه





▶ **مناطق کنار دریا که کوه در جنوب آن‌ها** واقع می‌باشد (مثل حاشیه شمال و حوالی دریای مازندران) سرد و تر هستند. مردم این نواحی به علت رطوبت بالا، معمول آرام و صبور هستند و از طرفی بیماری‌های مفصلی در میان آن‌ها، به‌خصوص در زنان، شیوع بیشتری دارد. به‌همین دلیل نیز، حکما سیرابه‌اشکال مختلف در رژیم غذایی مردم این مناطق قرار داده‌اند و همچنین به‌طور سنتی در پخت نان از سیاه‌دانه استفاده می‌شود.^۳

هوادرمانی:

هوآگیری ربه را باید با تمرین کردن، زیاد کنیم. زیرا هوا، گردش خون را در بدن تنظیم می‌کند و موجب می‌شود

مزاج مکان‌ها:

مکان‌های مختلف تأثیرات متفاوتی در مزاج افراد می‌گذارند و مزاج هر منطقه نیز به جغرافیای آنجا وابسته است:



▶ **مزاج مناطق کوهستانی** (مثل دماوند)، سرد و خشک است، کسی که مزاج گرم دارد و در سن جوانی و فصل تابستان قرار دارد بهتر است به بیلاق برود و از هوای روح‌افزا و چشمه‌های خنک آنجا بهره‌برد.



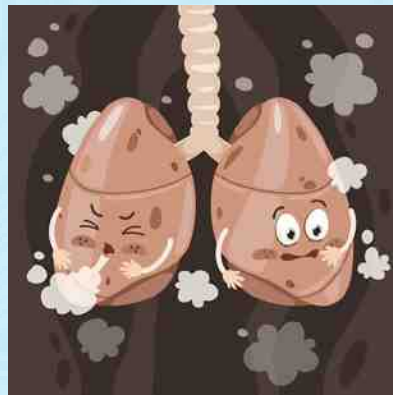
▶ **مزاج مناطق بیابانی** (مانند یزد) گرم و خشک است.

متفاوت صنعتی وجود دارد مثل سرب و آلودگی‌های گوناگون سمی معلق در هوا، ناشی از دود ماشین‌ها، کارخانه‌ها حتی ناشی از حشره‌کش‌ها^۴، مواد شوینده که ما به‌عنوان خوشبوکننده لباس یا هوا و... استفاده می‌کنیم، مثلاً می‌خواهیم پشه را بکشیم، تمام هوا را با حشره‌کش سمی می‌کنیم تا پشه را بکشیم، ۱۲ تا ۲۴ ساعت طول می‌کشد که این هوا جابجا شود، لذا این هوای آلوده را تا آن زمان تنفس می‌کنیم.^۵

کیفیت تنفس صحیح و طبی

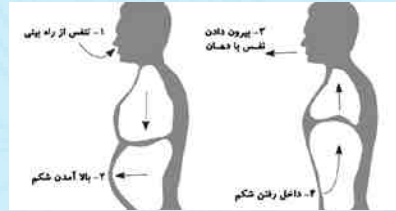
برای این‌که تنفس طبی را بتوانیم انجام بدهیم بهترین کار این است که در حالت راحتی قرار بگیریم یا در حالت رهاسازی قرار بگیریم، اگر حالت خوابیده داشته باشیم بهتر است، شکم را اول کاملاً به داخل بفرستیم و با تمام قوا ریه خود را خالی کنیم، یک نفس عمیق بکشیم.

تا معده، ریه، مغز، قلب و... خوب کار کند. بنابراین لازم است پیاده‌روی تند یا ورزش‌هایی داشته باشیم که ریه‌ی ما در ۲۴ ساعت، دو تا نیم ساعت، پراز هوا شود (کل حجم ریه پر شود). این‌گونه آسیب‌پذیری ریه به حداقل می‌رسد. اگر این کار را انجام دادیم و ریه را تقویت کردیم، عفونت‌های جاری در آب‌وهوای آلوده شهری، کمتر می‌توانند در ریه‌ها تأثیر بگذارند.



در قدیم می‌گفتند که از شهرهایی که فضولات انسانی و حیوانی انباشته شده است، عبور نکنید ولی امروزه آلودگی‌های

آرام آرام عادت کنید که نفس عمیق بکشید، آن چنان عمیق که شکم شما باد کند، بالا بیاید و بعد از چندثانیه ای نفس را نگه دارید و بعد آن را بیرون بدهید. بهترین کار این است که نفس با بینی به داخل کشیده شود یعنی دم با بینی به داخل کشیده شود و به آرامی و به تدریج شکم بالا بیاید، چند ثانیه نگه داشته شود و بعد با دهان این نفس را خالی کنید. خالی کردن هم باید تا انتهای نفس



در نفس طبی شکم باید حرکت کند، آدم‌ها به خاطر آن تیپ خاص معمولاً سعی می‌کنند وقتی نفس می‌کشند شکم آن‌ها خیلی جلو و عقب نیاید، اما تنفس طبی تنفسی است که کاملاً با دم شکم شما جلو بیاید، اگر افراد آگاهی نداشته باشند به آن‌ها تمرین داده و می‌گوییم یک یا دو کتاب روی شکم خود بگذارید و سعی کنید با پر کردن ریه خود این دو کتاب را بالا بیاورید بعد این تمرین می‌شود برای این که عضلات شکم بتوانند در تنفس به شما کمک کنند.



باشد، یعنی تا آنجایی که هوا را حس می‌کنید باید کاملاً تخلیه کنید. این کار را اول به صورت تمرین در حالت خوابیده انجام بدهید بعد بچه‌ها را تمرین بدهید، جوان‌ها را تمرین بدهید، هرکسی را که می‌خواهید ظرفیت مغزی و قلبی او را بالا ببرید یعنی به امر تربیت او کمک کنید، این تمرین را حتماً به او آموزش بدهید. بعد از این که یاد گرفت، می‌تواند در زنگ تفریح‌ها و حالت ایستاده، ساعات تنفس طبی برای آن‌ها بگذارد و بین زمان آموزش و درس و غیره یک ساعتی افراد برونند نفس عمیق

بکشند، همان‌طور که قدم می‌زند یا راه می‌رود یا ایستاده شکم را بیرون بدهد و با بینی نفس بکشد، شکم را بیرون بدهد و کاملاً تخلیه کند و ریه را از هوا خالی کند.

معمولاً گفته می‌شود در هر یک ساعت تا یک ساعت و نیم اگر چندین بار بتوانید این تنفس طبی را انجام بدهید بدن کاملاً می‌تواند از قوای خود استفاده کند، اکسیژن کافی برساند و قوای مغزی و قلبی هم افزایش پیدا کند.

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. مروری بر کلیات طب سنتی ایران، دکتر محسن ناصری، انتشارات طب سنتی ایران، ۱۳۹۵ش، ص ۳۳.
۲. استفاده از بخاری بیشتر موجب خشکی پوست و مغز می‌شود. برای رفع آن بهتر است کتری آبی روی بخاری قرار دهیم که هوا را کمی مرطوب کند و از عوارض خشکی پاییز و خشکی بخاری بکاهد تا دچار مشکلات ناشی از خشکی نشویم.
۳. مروری بر کلیات طب سنتی ایران، ص ۳۳.
۴. در کتاب ذخیره خوارزمشاهی و کتب دیگر طب سنتی درباره راه دفع هر حشره به‌طور طبیعی و با استفاده از گیاهان و مواد طبیعی آورده شده است. ذخیره خوارزمشاهی، سید اسماعیل جرجانی، مترجم: محمدرضا محمری، انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی ج.ا.ا. انتشارات موسسه نزهت، چاپ اول، آبان ۸۰، جلد سوم.
۵. علت و درمان بیماری‌ها در طب سنتی اسلامی، مجید برزو نژاد، انتشارات ابتکار دانش، چاپ هفتم، پاییز ۹۶، ص ۱۹۹.

اشتباهات رایج در نظارت بر تلفن همراه فرزندان



نساء العلیه خلیلی - فعال فرهنگی در حوزه‌ی رسانه - کارشناس نرم افزار

باید بدانید اگر راه‌وروش درستی را برای کنترل فرزندان انتخاب نکنید، دیر یا زود همین موضوع تبدیل می‌شود به بحران حل‌نشدنی؛ بحرانی که حس اعتماد بین شما و فرزندان را از بین می‌برد و ترس و دل‌پره‌ای را در او ایجاد می‌کند و شما را از پدر و مادری دلسوز تبدیل می‌کند به مأمور بازرسی گوشی فرزندان. شما که دلتان نمی‌خواهد این اتفاق بیفتد؟!

✅ برای اینکه در دام اشتباهات نظارت بر گوشی فرزندان نیفتید، در این یادداشت به ۵ اشتباه رایج در نظارت بر گوشی

روزی چند بار به گوشی فرزندان سر می‌زنید تا بدانید با گوشی‌اش چه می‌کند؟ یا در کدام شبکه‌ی اجتماعی عضو شده است؟ شاید هم برایتان دغدغه شده که فرزندان در چه کانال‌هایی عضو است و با چه کسانی چت می‌کند؟

راستش را بخواهید حق دارید. امروزه، فضای مجازی و گوشی هوشمند با تمام خوبی‌هایش، مشکلاتی را به وجود آورده است. شما هم به‌عنوان پدر و مادری دلسوز، دلتان نمی‌خواهد فرزندان یکی از قربانیان این ماجرا باشد؛ اما

آسیب‌های این طرز فکر، منجر به اختلال‌های رفتاری در نهال‌های نارس ما خواهد شد.

باید بپذیریم که نظارت بر رفتار فرزندان، ظلم، سخت‌گیری یا کنترل کردن نیست، بلکه مسئولیت بزرگی است که اگر والدین به درستی انجامش ندهند؛ در حق فرزند خود ظلم کرده‌اند.

۲) نظارت بدون برنامه و قانون!

یکی دیگر از مهم‌ترین اشتباهات پدر و مادرها در نظارت این است که هیچ برنامه‌ای برای کنترل استفاده فرزند خود از گوشی هوشمند ندارند و کاملاً

فرزندان اشاره‌کرده و راهکارهایی را برای رهایی از این اشتباهات ارائه می‌دهیم.

۱) تلفن همراه، حریم خصوصی فرزندان؟!

بسیاری از پدر و مادرها فکر می‌کنند گوشی همراه، حریم خصوصی فرزندان است و حق ندارند در حریم خصوصی‌شان وارد شوند. همین اشتباه موجب می‌شود به خودشان اجازه ندهند نظارتی بر فعالیت‌های فرزندانشان در فضای مجازی داشته باشند.

نتیجه این نگاه غلط، رها کردن فرزندان در دام‌های فضای مجازی و عدم نظارت بر شیوه استفاده از گوشی همراه است.



ساعت‌های مشخصی می‌توانند از گوشی هوشمند استفاده کنند. آن‌هم با قانونی مشخص که از چه شبکه‌هایی و چه کانال‌هایی استفاده کنند. برای این کار، از نرم‌افزارهای تعیین سطح دسترسی فرزندان به برنامه‌ها هم می‌توانید کمک بگیرید. جالب است که بدانید معیار داشتن و سنجیده عمل کردن در تعریف نظارت هم وجود دارد. درواقع، «نظارت تلاشی است سنجیده برای رسیدن به اهداف تعیین‌شده»!

سلیقه‌ای برخورد می‌کنند. یعنی روزهایی که سرشان شلوغ است و فرصتی ندارند که به فرزندشان برسند، کاری به کار فرزند ندارند و یا حتی خودشان بچه‌ها را تشویق می‌کنند که برود و در خلوتی و سرش را به گوشی موبایلش گرم کند. این‌طور هم خودشان به کارهایشان می‌رسند، هم حوصله فرزندشان سر نمی‌رود. در عوض روزها یا ساعت‌هایی که کاری ندارند، لحظه‌به‌لحظه به فرزندشان گیر می‌دهند که چرا این‌قدر سرش توی گوشی موبایل است.

این برخورد اشتباه، کاری می‌کند که فرزندان زمانی که می‌خواهید آن‌ها را کنترل کنید، دیگر به حرف شما گوش ندهند، زیرا متوجه شده‌اند شما برای استفاده آن‌ها از گوشی برنامه‌ای ندارید.

پس در اولین فرصت برای استفاده فرزندان از گوشی هوشمند، برنامه بریزید. بگذارید فرزندان بدانند که برای



تخلفی از دلبندهمان دیدیم، نسبت به آن اتفاق واکنش سریع نشان می‌دهیم و همان موقع داد و فریاد راه می‌اندازیم یا سیلی را نثارش می‌کنیم. با حرف و عمل خود، حرمت‌های بین خود را می‌شکنیم. کاری می‌کنیم که حس گناه در فرزندان به حس مظلوم بودن او تغییر پیدا کند! می‌بینید چقدر راحت با یک حرکت اشتباه، هم اعتماد به نفس و هم قبح کار را از بین می‌بریم. یا از روش‌های نظارت‌های دفعی استفاده می‌کنیم و مثل اجل معلق روی گوشی او فرود می‌آییم، ناگهانی در اتاق او را باز می‌کنیم و با مشاهده خطای احتمالی گوش عالم را پر می‌کنیم. در حالی که در برخی موارد، باید خود را به غفلت زد و با روش‌های غیرمستقیم به او فهماند که این کار او اشتباه است.

بله، گاهی نیاز نیست برخورد مستقیم داشته باشیم و طوری رفتار کنیم که به فرزندان احساس جرم بدهیم. این کار

بر این اساس، نظارت درجایی معنا پیدا می‌کند که شما از ابتدا، قانونی گذاشته باشید و بعد بخواهید بر اجرای صحیح آن نظارت داشته باشید. به همین دلیل، باید در وضع قوانین دقت کنید. در قانونی که می‌گذارید باید نسبت تخلف به مجازات معین و برای فرزندان روشن و مشخص باشد. مراقب باشید، همان‌طور که قانون حرف اول را می‌زند؛ اما در مجازات با تخفیف و عطف عمل کنید. در وضع قوانین، نگاهی هم به قانون‌گذار واقعی عالم داشته باشید و به نقش ثبت اعمال در دوربین الهی اشاره کنید تا زمانی که شما هم در محل نبودید؛ فرزندان، خود را در محضر ناظران الهی احساس کند و از قانون‌گریزی بپرهیزد.

۳ مچ‌گیری؟!

سومین اشتباه رایج ما والدین در نظارت بر فرزندان این است که وقتی اشتباه یا

کنند. ماجرا زمانی بدتر می‌شود که بعضی از والدین در این کار دچار وسواس می‌شوند و نظارت را از حد می‌گذرانند. باور کنید قرار نیست شما از همه مکالمات و چت‌های او با دوستانش خبر داشته باشید! شما با این کار فرزندان را در تصمیم‌گیری ناتوان می‌کنید و خلاقیت و قدرت مواجهه او را از بین می‌برید.

بله، نظارت بر فرزندان کار بسیار خوبی است؛ اما نباید ما را به والدین کنترل‌گر تبدیل کند، بلکه نظارت باید روشمند باشد. نظارتی خوب است که همیشگی و با چاشنی اقتدار و مهربانی باشد. در نظارت خود سعی کنید که عیب‌ها را درشت

موجب می‌شود کم‌کم او احساس کند ما دائماً خواهیم از او مچ‌گیری کنیم. ما وظیفه داریم نظارت کنیم، نه مچ‌گیری! کافی است کمی در روش برخورد هایمان فکر کنیم و تلاش کنیم بهترین برخورد را داشته باشیم.

۱۴ نظارت بی‌حدومرز!

اشتباه دیگری که بسیاری از پدر و مادرها به اسم نظارت مرتکب می‌شوند این است که به خودشان حق می‌دهند در تمام امور خرد و کلان فرزند و استفاده‌اش از گوشی هوشمند تصمیم بگیرند و در تمام فعالیت‌های او در فضای مجازی دخالت



شما گام به گام همهٔ مراحل بازی را بروید؛ تنها کافی است که کتاب‌های خوب را در زمینه‌ی فناوری و بازی‌ها بخوانید. نگذارید فرزندان بفهمد که اطلاعات شما از او خیلی کمتر است یا شما اصلاً از این چیزها سردر نمی‌آورید.

بله، فرزندان در اموری که والدین خود را استاد می‌دانند، بدون بحث و جدل پذیرای حرف آن‌ها هستند. اما اگر در موارد متعددی از شما اشتباه ببینند یا اینکه شما در جایگاه فرد مطلع ندانند، مسلماً به راهکارهای شما گوش نخواهند داد. پس باید مراقب باشید که جایگاه خود را از دست ندهید.



پی‌نوشت

۱. رک: اصول مدیریت، علی رضاییان، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۵.

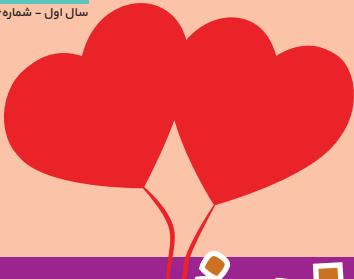
نکنید بلکه مانند آینه، آنچه را که هست، نشان دهید. جهت نظارت شما باید رفع عیب باشد، نه تخریب و برچسب‌زنی.

۵) نظارت بدون علم!

آخرین اشتباهی که در این یادداشت می‌خواهیم درباره‌اش صحبت کنیم، این است که والدین، فرزندان خود را از کاری منع می‌کنند که دانش کافی نسبت به آن کار را ندارند. امان از روزی که این حس در فرزندان ایجاد شود! از آن روز به بعد، دیگر حرف و نظر والدین را در آن موضوع گوش نمی‌دهند.

خب، حتماً می‌پرسید راه حل چیست؟ لطفاً کمی وقت بگذارید و با گوشی هوشمند و کارایی آن آشنا شوید. لازم نیست که





دوست و همراه خوبم

زینب رحیمی تالار پستی - دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه

بخوانی. چه خوب عربی و دروس حوزه را کنارم آموختی. برای من که زن را بنیان‌گذار خانواده می‌دانستم مهم بود همسرم علم داشته باشد و بتواند فرزندان بهتری تربیت کند.

تو فراتر از تصورم همراه و یار بودی؛ در سیاست، فعالیت‌های اجتماعی و زندگی. آن‌همه رفت و آمدهای رنگارنگ خانه را هم همراهی کردی. آن شب که بعد از آن منبر پرشور نارمک ساواک آمد تا برای بار چندم مرا ببرد را یادم نمی‌رود. لباس عوض کردم و مرا به زندان بردند. تازه آنجا به خاطر آوردم که لباسم پر بود از اسامی انقلابیون و برنامه فعالیت‌هایم. وقتی چیزی پیدا نکردند، خیلی دعايت کردم. چه کسی جز

از آن روز که مادرم تورا برای ازدواج پیشنهاد کرد، دنیای جدیدی شروع شد. من ۳۱ ساله که مهر و موم‌های فعالیت فرهنگی، سیاسی و علم‌آموزی، نگذاشته بود به این جنبه از زندگی بپردازم؛ بین اصرار مادر برای ازدواج با دختر ۱۴ ساله استادم و منطق خودم به خاطر اختلاف سن زیادی که قبولش نداشتم درگیر شدم. البته این پدر بزرگوارت بود که منت گذاشته و مهر تائید به شاگردش زد تا بتوانم تورا کنارم داشته باشم برای ادامه و استقامت در مسیر!

کلاس هفتم بودی و دلم نمی‌آمد به خاطر من از علم جا بمانی. تا گرفتن دیپلمت با وجود مشغله زیادم غذا درست می‌کردم و به بچه‌ها می‌رسیدم تا بتوانی درس

تومی توانست چنین باهوش و زیرک باشد که با آن سرعت برگه‌ها و دفترچه را بردارد. چقدر ساواک حرص خورد وقتی به خانه آمد و دست خالی برگشت؛ چراکه تو کتاب‌ها و نوشته‌ها را به همسایه سپرده بودی.^۲ شهادت‌م بعد از انقلاب، برای تو که ناراحت حرف‌های نامربوط عده‌ای در مورد من بودی، باعث شکر گذاری‌ات شد؛ به خصوص که امام علیه السلام مرا پاره‌تن خود اعلام کرد. بعد از بیست و شش سال زندگی آرامی

که برایم در کنار همه تنش‌ها و گرفتاری‌ها ساختی، تو ماندی و هفت فرزندمان که فقط دو دختر از آن‌ها ازدواج کرده بودند.^۳ خوب می‌دانی که شهادت‌م باعث نشد از تو جدا شوم؛ حتی لحظه‌ای؛ یادت هست برای هر کار که کمک خواستی و ازدواج بچه‌ها هر بار راهنمایی‌ات کردم؟^۴ می‌دانم تو هم لحظه‌ای فراموشم نکردی؛ از آنجاکه هیچ‌وقت ظاهر خانه‌ای که باهم زندگی کردیم را عوض نکردی؛ عبا، نعلین، سجاده و...؛ از آنجاکه سالیان سال پس از شهادت هم هر سال روز تولدم را با بچه‌ها در همان خانه جشن گرفتید. از آنجاکه به دستور امام علیه السلام از من برای همه گفتمی و خسته نشدی از شناساندنم به مردم.^۵ شعرهایت را فراموش نمی‌کنم، آن‌ها که هیچ‌وقت اجازه ندادی چاپ شود چراکه می‌خواستی زندگی‌ات حال باشد؛ نه قال، حق داشتی که نخواهی به نام من ارزیابی و قضاوتت کنند.^۶



بانوی همیشه همراهم، دوست خوبم، بودی. ۷. برسی و بگویی این مردم هزاران خدا را شکر که بالأخره دوری تمام شد و راهبر داشتند و گمراه شدند؛ سال‌ها به هم رسیدیم. زمینیان به قدر کفایت از بانوی روایتگرم شنیده‌اند؛ دیگر وقت آرامشت رسید. وقت آن که برسی به بانوی آب و آینه که خوابش را دیده نمونه بینشان گذاشت و بازهم ...

واما اعظم (عالیه) روحانی کیست:

■ همسر شهید آیت‌الله مرتضی مطهری رحمته الله

■ تولد ۱۳۱۷ در مشهد

■ وفات ۵ اسفند ۱۴۰۱



در سن ۸۴ سالگی در شب جمعه و شب میلاد امام حسین علیه السلام دارفانی را وداع گفت. پیکر ایشان پس از تشییع در تهران برای تدفین و خاک‌سپاری به قم منتقل شد. مقام معظم رهبری عظمت الله در مورد این بانو فرمودند:

ایشان دوست و همراه خوبی برای شهید بودند.

پی‌نوشت

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حرف تازه؛ <https://harfetaze.com/296319>
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی تاریخ ایران؛ <http://tarikhirani.ir/fa/news/3160>
۳. پایگاه اطلاع‌رسانی موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی؛ <https://psri.ir/?id=nxif1hvcb8q>
۴. همان.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی تاریخ ایران؛ <http://tarikhirani.ir/fa/news/3160>
۶. پایگاه اطلاع‌رسانی حرف تازه؛ <https://harfetaze.com/296319>
۷. همسر شهید شبی خواب دیدند که حضرت زهرا علیها السلام به خانه ایشان می‌روند. فردای آن روز یکی از مهمان‌ها که برای بازدید آمده بود، خبر می‌دهد که شب قبل حضرت را دیده که به خانه ایشان می‌رفته است.
۸. رک: پایگاه اطلاع‌رسانی فارس نیوز؛ <https://www.farsnews.ir/news/14011205000258>

چی بخونیم؟

الهام آقا جانی - کارشناس علوم قرآن و حدیث

محبت را زندگی کنیم



معرفی اجمالی کتاب «محبت را زندگی

کنیم» و برگزیده‌ای از متن کتاب

کتاب «محبت را زندگی کنیم» حول محور راه و رسم صحیح عشق‌ورزی و چگونگی افزایش محبت بین زن و شوهر در خانواده صحبت می‌کند؛ این کتاب نخستین بار توسط پژوهشگر ارجمند، حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر مجتبی حیدری، تحت عنوان «عشق و محبت در زندگی» که در واقع جلد دوم از مجموعه «زندگی+خوشبختی» بود، به چاپ رسید و بعدها پس از بازنگری

هستند، بین زن و مرد مشترک بوده و بخش دیگر هم وظایفی هستند که فقط ویژه زن یا مرد است. بیان هرکدام از این وظایف، راه را برای افرادی که قصد شروع یک زندگی مشترک دارند و یا حتی افراد کهنه‌کاری که به خانه‌تکانی جدی در زمینه‌ی عشق‌ورزی و محبت نیاز دارند، بازکرده است.

محتوای کتاب:

کتاب «محبت را زندگی کنیم» در ۷۵ صفحه، با بیانی دینی و درعین‌حال روان‌شناختی، و با زبان ساده درباره راهکارهای تبدیل خانواده به کانون محبت و عشق سخن می‌گوید. این کتاب به سه فصل تقسیم شده است که تکیه‌ی هر فصل آن بر ارائه راهکارهای افزایش

و افزودن مطالب و فصل‌بندی جدید، تحت عنوان «محبت را زندگی کنیم» توسط انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، در پاییز سال ۱۳۹۵ به چاپ سوم رسید. تنظیم این کتاب توسط جناب آقای محمدمهدی عباسی آغوی انجام شده است.

خانواده اگر در مسیر درست خود پیش برود، باید محبت بین اعضای آن نیز به تصاعد هندسی بالا رود. بنابراین هندسه‌ی عشق فقط خواندنی نیست؛ باید آن را تمرین کرد. در مقدمه‌ی کتاب آمده است: «عشق ما را می‌کشد تا دوباره حیاطمان بخشد!» این جمله را شکسپیر می‌گوید. برای تشکیل یک خانواده که موجودی زنده است، باید دو من بمیرد تا یک ما متولد شود. بنابراین برای اینکه محبت را زندگی کنیم و عشق را زنده کنیم، باید از خود بگذریم. بخشی از این وظایف که نیازمند تمرین



صمیمیت، عوامل کاهش علاقه مندی، حدود و لزوم و چگونگی محبت به همسر و مسائلی از این دست است.

در **فصل اول** کتاب مطالب ارائه شده بیشتر درباره‌ی مباحث اخلاقی (احترام متقابل، گذشت، گفتگو، مدارا، نگاه به نامحرم و...) و یا مشارکت گونه (تصمیم‌گیری، مشورت و...) است که نیازمند به رعایت دو طرف می‌باشد؛ بنابراین مخاطب در این فصل از کتاب، هم زنان هستند و هم مردان. اما در فصل‌های بعدی کتاب، وظایف و راهکارهایی خاص زنان یا مردان ارائه شده است.

فصل دوم کتاب نیز خطاب به زنان است که در ابتدا، درباره چگونگی برخورد با عدم ابراز عشق مرد، حل مسئله سرد بودن روابط، تبیین نیاز مرد به محبت و شیوه‌های محبت به شوهر و... سخن به میان آمده است.

فصل سوم خطاب به مرد است. در این فصل درباره لزوم ابراز محبت مرد به همسر، زمان صحیح ابراز عشق، روش‌های محبت به همسر و ویژگی‌های یک شوهر خوب مطالب خوبی ارائه شده است.



رفتاری خود را کنار بگذارند تا بتوانند نیاز همسر خود را به برقراری ارتباط برآورند... ما نمی‌توانیم اجازه دهیم که ارتباط و گفتگوی بین ما متوقف شود یا ارتباط ما به صحنه‌ی نبرد عقاید و جنگ بر سر اختلاف‌هایمان تبدیل شود. گفتگو و تبادل نظر مثبت، باز، آزاد و همراه با تفاهم، از مشخصات یک زندگی زناشویی سالم است.»

در بخشی از این فصل می‌خوانیم: «مردان بیشتر گفت‌وگوهایشان را در محیط کارشان صرف می‌کنند و گاه وقتی به خانه می‌رسند، تنها یک کلمه برایشان باقی مانده است. وقتی زن می‌پرسد امروز چه طور بود؟! مرد پاسخ می‌دهد: خوب! چنین مختصرگویی هرگز نمی‌تواند الگوی یک شوهر کارآمد باشد. بسیاری از شوهران باید این الگوی



سخن آخر:

همان‌طور که گفته شد، از نشانه‌های اینکه خانواده در مسیر صحیح خود پیش می‌رود این است که **محبت بین افراد آن خانواده** تصاعدی بالا می‌رود. به‌علاوه ثمره‌ی زندگی سرشار از محبت و گذشت و با رعایت نکات اخلاقی در خانواده، همان تشکیل جامعه‌ای قانونمند و با اخلاق و با کارکردهای صحیح اجتماعی است که در نهایت منجر به رشد و کمال بیشتر در هر دو بخش فردی و اجتماعی می‌گردد. بنابراین داشتن آگاهی در این زمینه، در شیوه اداره صحیح زندگی بسیار مثرتر است. البته خواندن این کتاب به تنهایی کافی نیست. باید همه نکات آن را روی تک‌تک احوالاتمان بررسی کنیم. باید محبت را زندگی کنیم.

نور، صدا، حرکت!

منصوره مؤدب - دانش آموخته سطح ۲ جامعة الزهراء

مادر نگران شکستن چیزی باشند و نه او
با انبوهی از تزئینات روبرو باشد. چه برسد
به این همه «نور، صدا، حرکت»!

اگر هدف از آمدن ماهه این دنیا بندگی است
وطی مسیری به سوی حضرت حق، پس چرا
از ماه‌های اول تولد این نوگلان باغ بهشت،
باید گوششان پر شود از آهنگ‌هایی که
نه آن‌ها را به این هدف نزدیک می‌کند و نه
تأثیر مثبتی بر روحشان می‌گذارد. به راستی
چرا باید این حجم از موسیقی‌های حرام در
دسترس این نسل باشد؟

با توجه به اینکه خانواده‌های طلاب و
مبلغان علاوه بر تربیت فرزند خویش،
رسالت ترویج فرهنگ اسلامی در مناطق
تبلیغی و تربیت نسل مهدوی را دارند،
از این روی در این نوشتار جهت بهره‌مندی

امروزه، به سختی می‌توان یک اسباب‌بازی
پیدا کرد که یکی از این سه ویژگی را
نداشته باشد: «نور، صدا، حرکت» چه
برسد به هر سه!

ما از کودکی آنچه به یاد می‌آوریم، این بوده
که توپ، برای قیل دادن و بازی کردن است؛
اما اینکه یک تویی ساخته شده که وقتی
آن را روشن می‌کنیم، یک موسیقی خیلی
تند و کلی چراغ‌های لیزری باهم روشن
می‌شوند و روی ذهن بچه رژه می‌روند، چه
کمکی به رشد او می‌کند را نمی‌دانم!

خیلی توصیه شده است که در سه سال
اول زندگی، فضای زندگی کودک باید
سرشاز از آرامش باشد. حتی بهتر است
وسایل تزئینی را از خانه جمع کنیم و به بچه
اجازه دهیم با آرامش، بازی کند که نه پدر و

دیگر اهمیت نمی‌دهد که چه می‌گوید و به سخنانی که در مورد او گفته می‌شود نیز اهمیت نمی‌دهد.^۲

ممکن است موسیقی هم مثل مواد مخدر اثرات سوئی بر روان ما باقی گذارد: چنانچه مواد مخدر انواع گوناگونی دارند:

▶ گاهی از طریق دهان و نوشیدن وارد بدن انسان می‌شوند. (مثل شراب)

▶ گاهی از طریق بوییدن و حس لامسه وارد بدن انسان می‌شوند. (مثل هروئین)

▶ گاهی از طریق تزریق وارد بدن انسان می‌شوند. (مثل تزریق مرفین)

▶ گاهی از طریق حس سامعه (شنیدن) وارد بدن انسان می‌شوند. (مثل غنا و

خانواده‌های گرامی، به نکاتی در راستای موسیقی‌های حرام اشاره می‌گردد.

آب راز سرچشمه باید بست؛

موسیقی حرام، نقش بسیار مهمی در کم‌گیری و بی‌گیری خواهد داشت. اگر نسبت به کم‌گیری فرزندانمان در آینده نگران هستیم باید از هم‌اکنون نظارت خوبی بر آن‌ها از جهت آنچه می‌شنوند داشته باشیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرگاه چهل روز در خانه کسی بربط (نوعی از آلات موسیقی) نواخته شود، خداوند شیطانی به نام قَفَنَدَر بر او مسلط می‌کند. هرگاه چنین شود، شرم و حیا از آن مرد برداشته می‌شود و



غنا باشد، از مرگ و مصیبت دردناک ایمن نیست و دعا در آن به اجابت نمی‌رسد و فرشتگان وارد آن نمی‌شوند. علاوه بر آنچه گذشت یکی از مهم‌ترین ابزار کار استعمارگران برای غافل نمودن انسان‌ها و ملت‌ها همین موسیقی و غنا می‌باشد.

موسیقی حرام) به همین دلیل گاهی غنا و آهنگ‌های خاص، چنان افراد را در نشئگی فرومی‌برد که حالتی شبیه به مستی به آن‌ها دست می‌دهد.



دست‌نوشته يك ره‌یافته:

«من سال‌ها پیش سه‌تار می‌زدم. برای اینکه به خدا نزدیک‌تر شوم. اما کم‌کم دیدم این همه وقتی که برای تمرین سه‌تار می‌گذارم، می‌تواند جای مفیدتری صرف شود. بعد از آن، فقط شنونده‌ی موسیقی‌های سنتی بودم. گاهی هم (با آقای پدر) موسیقی‌های خوب، که همه‌اش اشعار حافظ و مولانا بود و صدایی دل‌نشین و آهنگی آرام بخش می‌شنیدیم. تا اینکه چند وقت پیش در کتاب استفتائات حضرت آیت‌الله بهجت رحمته‌الله جملاتی از ایشان دیدیم که

موسیقی، گذشته از رکود فکری، رفته‌رفته فرزندان را در کارها شست، تنبل و بی‌اراده می‌سازد، تاجایی که گاهی سرمایه‌ی جوانی، عمر و نیروی فعالیت خود را به‌رایگان از دست می‌دهد.

«الکسیس کارل» دانشمند معروف در کتاب «راه و رسم زندگی» چنین می‌نویسد: «رادیو، سینما و ورزش‌های نامناسب، روحیه‌ی فرزندان را فلج می‌کند».^۳

امام صادق علیه‌السلام در مورد غنا می‌فرمودند: «بَيْتُ الْغِنَا لَا تَوْمُنُ فِيهِ الْمَجِيعةُ وَلَا لُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلِكُ»^۵ «خانه‌ای که در آن

مثلاً هیچ جادریج روایت و سندی نیست که امام معصومی بگویند: «خوب فلانی مثلاً برای ماسه تار بنواز تا کمی به آرامش برسیم و به خدا نزدیک تر شویم!».

ملاک ما، امام معصوم علیه السلام است که به گفته‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله، دروازه‌ی شهر علم است و به همه‌ی علوم آگاهی داشته و هیچ کجا لازم ندیده از فواید موسیقی بگوید.»

یک دستورالعمل برای ترک موسیقی حرام؛

«روش مؤثری که برای ترک موسیقی حرام می‌توان توصیه کرد این است که چهل روز موسیقی گوش ندهید. شاید روزهای اول، سخت باشد. اما بعد از آن چهل روز، تازه متوجه می‌شوید که در چه آشفته‌بازاری بودید و دیگر دلتان نمی‌خواهد به آن بازار فتانه قدم بگذارید. بعد، کم‌کم گوش‌تان به صداهای ظریف‌تر حساس می‌شود و آنچه دیگران نمی‌شنوند، می‌شنوید. بعد هم کم‌کم متوجه می‌شوید که موسیقی چقدر

عطای موسیقی را برای همیشه به لقایش بخشیدم. نفس این مرد بزرگ، آن قدر حق بود که از میان سطرهای کتاب هم ما را درگگون کرد. آن قدر که مهربانانه و دلسوزانه در جواب سؤال‌کنندگان از موسیقی خوب و موسیقی که ما را به خدا می‌رساند، گفته بود: «عزیز من! جان من! هیچ نوع از موسیقی ما را به خدا نمی‌رساند.»

این قدر که به ما گفته‌اند موسیقی آرامش‌بخش است، ما یادمان رفته که آرامش‌بخش‌تر از آن هم هست. یا بهتر است بگویم آرامش حقیقی را جایی غیر از شنیدن موسیقی باید جستجو کرد تا به شادی و نشاط حقیقی هم رسید. وگرنه از این موسیقی‌ها و این آرامش‌های کاذب، بیشتر از همین شادی‌های کاذب چیزی عایدمان نمی‌شود.

ما این مسیر را بر اساس تعالیم دینی انتخاب کرده‌ایم. ملاکمان قرآن و عترت است. مرام و سلوک امامان معصوم علیهم السلام.

شماره از حقیقت هستی عقب نگره می داشت. آن وقت تصمیم می گیرید دیگر هیچ وقت به سراغش نروید. (مثل آهنگری که در آهنگری کار می کند و به صداها گوش خراش آنجا عادت کرده و اگر مدتی از آن دور بماند احساسش نسبت به صداها درست می شود) کمی زمان می خواهد و یک دل مشتاق وصل و یک گوش حق شنو. بسم الله...»^۶
دلت را خانه ما کن مصفا کردنش با من ❀ بماند دل افشاکن مداوا کردنش با من
اگر گم کرده ای ای دل کلید استجابت را ❀ بیایک لحظه با ما باش پیدا کردنش با من



برای مطالعه بیشتر:

- ۴۰ نکته در مورد موسیقی، سید اسماعیل شاکر اردکانی، نشر پیام حجت، ۱۳۸۹.
- انسان غنا موسیقی، احمد شرف خانی خویی، انتشارات مشهور، ۱۳۸۰.

پی‌نوشت

۱. سؤال ۱۱۲۸. ملاک تمییز موسیقی حلال از حرام چیست؟ و آیا موسیقی کلاسیک حلال است؟ بسیار مناسب است که معیار آن را بیان فرمایید. جواب: هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لهوی مضلّ عن سبیل الله باشد، موسیقی حرام محسوب می شود و فرقی نمی کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. تشخیص موضوع هم موکول به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این گونه نباشد به خودی خود اشکال ندارد. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (farsi.khamenei.ir).

۲. مَنْ صُرِبَ فِي بَيْتِهِ نَزِطَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ الْقَفْنَدَرُ، فَلَا يَتَّقِي عُضْوً مِنْ أَعْضَائِهِ إِلَّا قَعَدَ عَلَيْهِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ نَزَعَ مِنْهُ الْحَيَاءَ وَ لَمْ يُبَالِ مَا قَالَ وَ لَا مَا قِيلَ فِيهِ.. وسائل الشيعه، شيخ حر عاملی، انتشارات موسسه آل البيت (عليه السلام) قم، ج ۱۷، ص ۳۱۳.

۳. رک: تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، حسین عبدالهی خوروش، انتشارات بادران، اصفهان ۱۳۸۶، ص ۲۶.

۴. سؤال ۱۱۳۳. غنا چیست؟ آیا غنا فقط شامل صدای انسان است یا این که شامل صداها حاصل از آلات موسیقی هم می شود؟ جواب: غنا عبارت است از صدای انسان در صورتی که با ترجیع همراه بوده و لهوی مضلّ عن سبیل الله باشد که خواندن به این صورت و گوش دادن به آن حرام است. دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (farsi.khamenei.ir).

۵. وسائل الشيعه، ج ۱۷، ص ۳۰۳.

۶. به نقل از ره یافته: س ع.

۷. همان.

خاطرات یک مشاور!

محمدحسین قدیری - کارشناس ارشد روان‌شناسی



منطقی قوی‌تری دارند، نه تنها خودشان را از مشاوره بی‌نیاز می‌دانند، بلکه باور دارند خودشان مشاور قهار هستند و مشاوران باید نزد آن‌ها لنگ بیندازند. با خود گفتم شاید برای کار دیگری آمده باشد. بعد از سلام و احوالپرسی گفت: من دو مشکل دارم: یکی خانم، که به شدت به من بدبین شده و همیشه نگران است که من زیر سرم بلند شده و شلوارم دوتا شده است. ولی حکایت ما داستان

در اتاق مشاوره که باز شد، یک آقای باهیبت که منشی از قبل گفته بود دکترای علوم اجتماعی هم دارد، وارد اتاق شد. معمولاً مردان به دلیل کلی‌نگری، منطق محوری و میل به تکیه‌گاه بودن، استقلال، رقابت و رهبری نسبت به خانم‌ها، کمتر از حل تعارض‌های زناشویی زیر نظر مشاوره خانواده استقبال می‌کنند. مردان به‌ویژه آن‌هایی که با کتاب انس دارند، محل رجوع مردم هستند و هوش

آش نخورده و دهان سوخته است. به هیچ وجه حاضر نیست با هم مشاوره بیاییم. مانده ام که چطور می توانم زندگی ام رانجات دهم؟! حاضرم برای حفظ زندگی ام اصلاً در کلاس هایی که خانم ها هم حضور دارند شرکت نکنم و فقط با مردان در ارتباط باشم ولی او باز هم راضی نیست و همیشه نگران و بدبین است.

کار، گفتگوست. اینکه در فضایی آرام و دوستانه، صادقانه در مورد دغدغه ها، نگرانی ها و آنچه موجب سلب آرامش ما شده با همسر، فرزندان و افراد پیرامون خود صحبت کنیم. خیلی اوقات مشکلات در همین مرحله شناخته و رفع می شوند. در مرحله بعد لازم است از مشورت و راهنمایی افراد متخصص کمک بگیریم.

پیام و صدای مشاور:



مشاوره گریزی ممنوع:

اگر مرد هستیم یا زن، حقوق دان، کارشناس رسانه، مهندس، پزشک، حتی روان شناس هم باشیم، معصوم نیستیم. نباید خودمان را عقل کل و خالی



نگرانی دوم در مورد فرزندانم است. به خاطر سردی جو خانواده ی ما، فرزندان نیز از منزل گریزانند و به بهانه های مختلف سرشان درگوشی است و یا منزل مادر بزرگشان می روند که هرطور خواستند راحت باشند.

در آن جلسه به ایشان گفتم: به نظرم در این مواقع، اولین و اتفاقاً مؤثرترین

می‌شود.^۲ حتی امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام برای مسائل و برنامه‌ریزی زندگی، با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشورت می‌کردند.^۳



👉 توجه به خانواده:

برای پیشرفت در شغل و تحصیل، توجه به همسر و فرزندان را فراموش نکنیم. اگر خانواده‌ای گرم داشته باشیم در کار و رسالت خود موفق می‌شویم وگرنه مشکلات خانوادگی ما را با خود غرق می‌کند.

👉 اختلال بدینی:

در بسیاری از مواقع ما در پدید آمدن مشکلات نقشی نداشته، ولی در تداوم آن، نقش اساسی داریم. در مورد آقای

از اشتباه بدانیم و از همسر برتر! خود عقل کل‌پنداری، اوج نادانی و خودشیفتگی است. دردی است که حضرت عیسی علیه السلام هم فرمودند: «من نمی‌توانم افراد احمق (خودشیفتگان) را شفا بدهم.» سؤال شد: ای روح‌الله احمق کیست؟ فرمودند: (کسی که خودرأی و خودپسند است و همیشه حق را از آن خود می‌داند.)

به‌عنوان نمونه حضرت علی علیه السلام با اینکه معصوم و عقل کل بودند؛ در اختلافی که در مالکیت زره، با شخص اهل کتاب داشتند، نفرمودند که من پهلوان عالمم و دار و دسته زیادی دارم و علم لدنی. اصلاً بگویم هر چه قاضی طبق مدارکش حکم کرد من هم قبول دارم. امام علیه السلام فرمود: **«إِنَّهُمْ أَعْقَلُكُمْ فَإِنَّهُ مِنَ النَّيِّقَةِ بِهَا يَكُونُ الْخَطَاءُ؛**

فهم و عقل خودتان را زیر سؤال ببرید [و سهمی برای دیگران در نظر بگیرید]؛ زیرا لغزش‌ها از اعتماد کامل به آن شروع

← **حدمرز مشاوره:**

لازم است همه‌ی ما و خانواده‌هایمان، بین مشاوره دینی و مشاوره روان‌شناختی فرق قائل شویم. بدون شک مشاوره‌ی ازدواج و خانواده در دنیا رشته تخصصی هستند. امروزه مشاوره‌ی دینی نیز، تخصصی و فوق تخصصی شده است. مانند: مشاوره‌ی فقهی، مشاوره‌ی اعتقادی، مشاوره‌ی قرآنی، مشاوره‌ی تاریخی و....



اما برخی افراد همین‌که چند کتاب روان‌شناسی می‌خرند یا می‌خوانند، خود را روان‌شناس و مشاور می‌پندارند. آیا با خریدن بوم و قلم رنگ استاد فرشچیان و یا باب راس^۵ می‌شویم؟ مردم با خریدن و خواندن کتب دینی متخصص در دین می‌شوند؟! متأسفانه برخی افراد جامعه بدون تخصص

داستان ما، اگرچه شخص خودشیفته‌ای نبود، ولی می‌بایست خیلی زودتر برای رفع مشکل اقدام می‌کرد. تأخیر او سبب تشدید بدبینی همسر شده است. بدبینی روی یک مقدار ضعیف تا بسیار شدید درجه‌بندی می‌شود. حتی گاهی این بدبینی‌های شدید به اختلال بی‌اعتمادی یا همان پارانوئید^۶ تبدیل می‌شود که علل مختلفی هم دارد. از ریشه‌های ژنتیکی گرفته تا تقویت بدبینی با عملکرد اشتباه، که در صورت دوم خود ما عاملی جهت تشدید بدگمانی و سوءظن همسرمان می‌شویم، مثل برخی پنهان‌کاری‌ها، تماس‌های یواشکی، به هم زدن قول و قرارهای قبلی و... که حتماً باید اصلاح شوند. اما به‌هرحال در چنین شرایطی لازم است از نزدیکان و دوستان صمیمی فرد بدبین خواست که او را به سمت دریافت خدمات روان‌شناختی (روان‌درمانی) جهت دهیم.

دارد. تخصص در هر کلمه با توجه به مبانی، تعریف و حدود، اصول و روش‌ها و اهداف؛ مانند یک خوشه است که باید باهم لحاظ شود. به فردی که یک دوره کتاب حدیث بخرد و بخواند، نمی‌گوییم حدیث‌شناس، به همین علت در مسائل مربوط به دین و احکام آن عموم مردم باید مراقب بوده و از اظهار نظر پرهیز کرده و در مواقع مواجهه با اتفاقات به علمای متخصص در این زمینه مراجعه کنند.



در سمت مقابل به فردی که کتاب‌های روان‌شناسی تهیه کند و بخواند اما زیر نظر اساتید دوره نظری و تخصصی نگذراند هم نمی‌توان متخصص گفت.

لازم، پا در کشف متخصصان می‌کنند. اینان وقتی با همسر خود هم اختلاف داشته باشند حاضر نیستند از مشاور خانواده کمک بگیرند و می‌گویند من خودم مشاورم. درحالی‌که حتی اگر متخصص هم باشیم در اختلافات زناشویی نباید با خودشیفتگی خود را حق بدانیم، بلکه باید برای رفع اختلاف از مشاوره خانواده حاذق کمک بگیریم.

فرق مشاوره دینی و مشاوره روان‌شناختی:



مشاور دینی متناسب با تخصص خود در یکی از حوزه‌ها و رشته‌های مختلف دین مانند فقه و اصول، کلام، قرآن و حدیث، تاریخ، تربیت و... تخصص

روانشناس به دلیل تخصص خود به اموری اشراف دارد که ممکن است دیگران متوجه آن‌ها نباشند. به‌عنوان نمونه؛ در تجارب مشاوره روان‌شناختی خودم افراد اهل مطالعه غیرروانشناس با من تماس گرفته‌اند که به شخصی مشاوره دادم، اما الآن اضطرابش بیشتر شده یا علاوه بر وسواس فکری دچار عذاب وجدان شدید و افسردگی هم شده!! متأسفانه چون این دوستان تخصص نداشته ناخواسته از همان ابتدا سبب تداوم مشکل فرد شده و نتیجه کارش هم مضاعف کردن رنج بیمار است. یا در مشاوره ازدواج هم اگر فرد تخصص نداشته باشد، متوجه طرحواره‌ها یا اختلالات فردی اشخاص نمی‌شود. مثلاً ممکن است یکی اختلال شخصیت داشته باشد اما چون بسیاری از این افراد در جلسات و معاشرت‌ها رفتار و گفتار جذاب و غلط‌انداز دارند، فقط یک متخصص می‌تواند پارازیت‌های رفتاری‌شان را تشخیص دهد.^۶

پی‌نوشت

۱. الاختصاص، شیخ مفید، نشر المؤتمر، قم چاپ اول ۱۴۱۳ق، ص ۲۲۱.
۲. غرالحکم و دررالحکم، عبدالواحد آمدی، انتشارات دارالکتب اسلامیة، ح ۲۵۷۰.
۳. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق، ج ۴۳، ص ۸۱.
۴. به انگلیسی (Paranoid personality disorder) یا به‌طور خلاصه (PPD) این بیماران اغلب متخاصم، تحریک‌پذیر و خشمگین‌اند.
۵. به انگلیسی (Robert Norman Ross) ۲۹ اکتبر ۱۹۴۲ - ۴ ژوئیه ۱۹۹۵ نقاش، معلم هنر و مجری تلویزیون آمریکایی بود.
۶. پیشنهاد می‌کنم فیلم (ملی و راه‌های نرفته‌اش) را ببینید، شخصیت داماد در این فیلم اختلال شخصیت پارانویید داشت که عروس و خانواده‌ها در رابطه دوستی، متوجه آن نبود.

عوامل زمینه‌ساز وفاداری در خانواده ۴

حسین وجدانی
دانش آموخته سطح ۳ حوزه علمیه
مشاور خانواده

معاشرت به معروف، یکی از عوامل مهم «وفاداری» در خانواده است که در شماره‌های قبلی به راهکارهای این امر همچون خوش بینی، وقار و حسن خلق، هدیه دادن و آراستگی اشاره شد. در ادامه به بیان چند راهکار مهم دیگر از مبحث معاشرت به معروف می‌پردازیم.



توجه به نیاز زناشویی

این نیاز، خود را برای یکدیگر آماده سازند. به‌طورکلی عدم ارضای این نیاز مهم در چارچوب خانواده، یکی از شایع‌ترین علل عدم تعهد و برقراری روابط فرا زناشویی در جوامع بشری است^۱ و این مهم را می‌توان در بررسی علل رشد طلاق در کشور خودمان هم یافت. مسئله‌ی عدم تعهد و خیانت زناشویی بیشتر در میان افرادی

نیاز جنسی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین غرایز بشر، عامل بقای نسل آدمی و یکی از پیش‌نیازهای اصلی در رسیدن به آرامش است. ارضای کامل نیاز جنسی زن و شوهر در ارتباط با یکدیگر، از عوامل مؤثر بر میزان وفاداری آن‌ها به شمار می‌رود و لازم است مرد و زن به‌منظور ارضای کامل

خوبش را حتی اگر با کمی حنا هم شده باشد، بدون خضاب بگذارد».^۳

رعایت اخلاق فردی در زندگی مشترک

تواضع

از جمله پایه‌های مستحکم خانواده، فروتنی و تواضع است، خودشیفتگی و خودبینی، کانون خانواده را سرد و بی‌فروغ ساخته و از آثار مثبت و مفید آن می‌کاهد. بر زن و مرد لازم است که هر دو در خانواده از کبر و غرور خودداری ورزیده

رخ می‌دهد که ازدواج خود را به صورتی منفی ارزیابی می‌کنند و کیفیت و فراوانی معاشقه‌های زناشویی آن‌ها اندک است.^۲

بر همین اساس در متون دینی حتی به اهمیت آراستگی ظاهر که مقدمه‌ی تأمین این نیاز است نیز، تأکید شده است.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید:

«سزاوار نیست که زن خود را بدون آرایش نگه دارد؛ هرچند با آویختن گردنبندهای گردن باشد و همچنین شایسته نیست که زن هرچند سالمند باشد، دست



است، پس از ماجرای تلخ سقیفه، وقتی خلفا برای جلب افکار عمومی درصدد دلجویی از حضرت زهرا ع.ا.س. برآمدند، اما ایشان به علت اوج ناراحتی از این افراد به درخواست ملاقات آن‌ها پاسخ رد می‌داد. آن‌ها دست به دامان حضرت علی ع.ا.س. شدند و اصرار فراوان کردند، که او واسطه شده و اجازه ملاقات از حضرت را بگیرند. ایشان به **حضرت زهرا** ع.ا.س. فرمودند: فاطمه جان! آنان هم اکنون پشت در خانه منتظر اجازه ورود هستند؛ تا نظر شما چه باشد. فاطمه ع.ا.س. که احساس کرد امیرالمؤمنین ع.ا.س. ملاقات را مصلحت می‌داند، در پاسخ فرمودند: «خانه، خانه‌ی شماس است و من هم به منزله‌ی کنیز و خدمتگزار در خانه شما هستم. آنچه مصلحت می‌دانی انجام بده.»^۴

تواضع، فضیلتی است که می‌تواند در ثبات عهد همسران در خانواده نقش اساسی داشته باشد. در روایتی امام علی ع.ا.س. ثمره‌ی

و نسبت به هم تواضع و فروتنی پیشه کنند. روایات اسلامی تواضع در خانواده را از جهات مختلف مورد توجه قرار داده است. درجایی مرد را مورد خطاب قرار داده و می‌فرماید: «بهترین مردان امت من کسانی‌اند که نسبت به خانواده‌ی خود متکبر نبوده، به آن‌ها فخر فروشی نکرده و بر آنان رحمت و نوازش دارند و به آن‌ها آزار و ستم روانمی‌دارند.»^۴ و در طرف مقابل پیامبر گرامی اسلام ص.ا.ع. فرمودند: «بهترین زنان، زنی است که اگر خود یا همسرش غضب کرد، به همسرش بگوید: دست من در دست تو است، خواب به چشمان من نمی‌رود تا اینکه از من راضی شوی.»^۵

اهل بیت ع.ا.س. همگی تجلی انسان کامل بوده و خداوند متعال آنان را به عنوان مظهر و الگویی برای همه ما معرفی نموده است. نمونه بارز تواضع و فروتنی و الگویی کامل برای همه زنان باایمان حضرت فاطمه زهرا ع.ا.س. می‌باشند. در روایات آمده

تواضع را محبت می‌داند و می‌فرماید: «نتیجه‌ی فروتنی، محبت و الفت است.»^۶ در آرامش و سازگاری اجتماعی، ازجمله خانواده نام‌برده شده است.^۸

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اولین عطیه و راحت‌ترین سخاوت،

خوش‌رویی است.»^۹ بشاش بودن و گشاده‌رویی، علاوه بر آن‌که غم چهره همسر را می‌زداید؛ الفت و محبت وی را نیز جلب می‌کند.

شاید تأثیرگذارترین رفتار در این زمینه، استقبال از همسرمان هنگام ورود به خانه با خوش‌رویی است، چراکه پس از گذراندن یک روز کاری سخت در هوای گرم یا سرد بیرون از خانه، چیزی به اندازه‌ی یک استقبال صمیمی از طرف همسر، برای

گشاده‌رویی

در برخورد دو شخص، آنچه در ابتدا تأثیرگذار خواهد بود، ظاهر شاد و بانشاط آن‌ها است. از ویژگی‌های برجسته‌ی پیامبران الهی و اولیای بزرگ پروردگار، خوش‌خلقی و گشاده‌رویی با مردم و اطرافیان ذکر شده است و شخصیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در میان همه آنان از حیث نرمی اخلاق و خوش‌رویی و نفوذ در انسان‌ها، ممتاز بود. در منابع دینی از خوش‌رویی به‌عنوان عاملی تأثیرگذار



رابطه‌ی عاطفی و محبت‌آمیز مادر با نوزاد و به آغوش کشیدن او تأمین می‌شود. پس از این مرحله، ارتباط صحیح و برخاسته از عشق و علاقه پدر نیز در این زمینه اهمیت فراوانی داشته و اگر به هر دلیلی این نیاز عاطفی، به خصوص در این دوره، برآورده نشود؛ ضررهای جبران‌ناپذیری به کودک وارد شده و سلامت جسمی و روانی او را به مخاطره می‌اندازد.

نیاز به محبت در دوره نوجوانی و جوانی نیز از طریق دیگر اعضای خانواده، هم‌کلاسی‌ها و دیگر افراد جامعه که با آنان ارتباط دارد تأمین می‌گردد. برخی از ناهنجاری‌های شخصیتی افراد نایمن احساس طردشدن، موردعشق و علاقه‌ی دیگران نبودن، ناتوانی در دریافت محبت دیگران و احساس تنفر و خصومت از جانب دیگران می‌باشد.

نیاز به محبت باید به وسیله‌ی پدر و مادر و سپس توسط برادر، خواهر، همسر،

انسان انرژی‌بخش نخواهد بود. بنابراین، خوش‌رویی به‌عنوان بهترین عامل جذب دل‌ها به افراد توصیه شده است، مواجهه با روی گشاده علاوه بر افزایش کمیت جذب، کیفیت آن را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتیجه کیفی گشاده‌رویی با واژه «حب» درآمیخته است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «خوش‌رویی و گشاده‌رویی، آوردگاه محبت است.»^{۱۲}

حفظ روابط اجتماعی

انسان برای زندگی اجتماعی خود نیاز به ارتباط با دیگران دارد تا از تنهایی بیرون آمده و شادابی روحی خود را در ادامه زندگی حفظ کند. انسان در تمام مراحل زندگی و تحول و رشد، نیازمند محبت است و باید از آغازین لحظات ورود به این جهان تا آخرین زمان وداع با آن، متناسب با دوره‌ی رشدش، این نیاز عالی و اساسی تأمین و ارضا شود. این نیاز در بدو تولد با

فرزندان و تمام دوستان، تأمین شود. شمرده و حکمت آن را در ایجاد تعامل و برقراری ارتباط با خویشاوندان و رفت‌وآمد با آنان، بهترین بستر برای برقراری تعاملات عاطفی و اظهار علاقه و محبت به یکدیگر است و نقش بسزایی در تأمین این نیازهای فردی و یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای حفظ تعهد افراد نسبت به اعضای خانواده به خصوص همسرشان می‌باشد. بنابراین صله‌ی رحم جزء حقوق تمام اعضای خانواده بوده و هر یک وظیفه‌دارند نسبت به دیگری این حق را رعایت کنند. خداوند متعال در آیات مختلفی، صله‌ی رحم را واجب

شمرده و حکمت آن را در ایجاد تعامل و مهرورزیدن خویشان به همدیگر، معرفی می‌کند و می‌فرماید: «من خدای بخشنده و مهربانم و رحم را، که یک فضل و فضیلتی است، به اقتضای رحمت خویش آفریدم تا انسان‌ها بدین وسیله به یکدیگر مهر و عطوفت ورزند.»^۱ همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «صله‌ی رحم باعث ایجاد محبت (در بین خویشاوندان) و خوار و حقیر شدن دشمنان می‌شود.»^۲

ادامه دارد...

پی‌نوشت

۱. ادراک مردان بی‌وفا، بورچل و وارد، به نقل از چوپانی موسی و دیگران، ص ۸۳.
۲. Burns, N., Grove, S. (2001). The practice of nursing research. 4th ed. Philadelphia: WB Saunders.
۳. وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی، انتشارات موسسه آل البيت علیهم السلام، قم، ج ۱۴، باب ۶، ح ۲.
۴. مکارم الأخلاق، حسن بن فضل طبرسی، انتشارات شریف رضی، قم، ج ۱، ص ۲۱۶.
۵. مستدرک الوسائل، حاجی نوری، انتشارات موسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت ۱۴۰۸ هـ. ق، ج ۱۴، ص ۱۶۰.
۶. بحار الأنوار، محمدباقر مجلسی، ط بیروت، ج ۴۳، ص ۱۹۸.
۷. بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۹.
۸. رک: غررالحکم، تمیمی آمدی، باب البشر.
۹. غررالحکم، تمیمی آمدی، ص ۲۴۵.
۱۰. تحف العقول، ابن شعبه حرانی، انتشارات صالحان، قم ۱۳۸۹ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۹۶.
۱۱. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۴.
۱۲. غررالحکم، ص ۴۶، ج ۹، ص ۹۳۰.

من تو نقش تو من

رضیّته جبرئیل زاده - کارشناس ارشد مشاوره خانواده

ایفای نقش همسری همواره با وظایف و چالش‌های خاص خود همراه بوده است. وقتی افراد در این نقش قرار می‌گیرند، هرکدام وظایفی به عهده‌دارند. آن‌ها باید بتوانند خودشان را در این نقش، جای‌داده و برای ایفای نقش در آن جایگاه، تمام تلاش خود را به‌کارگیرند. البته هرکدام از این وظایف که برای زن و مرد تعیین شده، متناسب با جنسیت و نوع روان‌شناسی آن‌هاست.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ؛ زن گل است و لطیف، نه کارگزار و دلیر». زن لطیف است و در روایات اسلامی به‌عنوان ریحانه از او یاد شده است. پس باید کارهایی را به عهده بگیرد که به لطافت او ضربه وارد نکند. او برای حفظ



یا خیر؟! به عنوان مثال، همسر و مادر در یک خانواده، باید تشخیص دهد، گاهی کارهای بیرون از خانه و شاغل شدن، به نقش اصلی او آسیب وارد می‌کند و نمی‌تواند درست عمل کند، در چنین مواردی فرد باید نقش اصلی خود را شناخته و کار بیرون از خانه را کم کند و یا حتی در برخی موارد کنار بگذارد.^۳

بارها خانم‌های شاغلی را دیده‌ایم که با وجود اینکه در روابط اجتماعی و کار خود مؤثر و موفق هستند، از تربیت فرزندان خود بازمانده‌اند، در روابط زناشویی خود دچار مشکل شده‌اند و خودشان نیز از شرایط موجود ناراضی می‌باشند، ولی با یک اجبار درونی و دلایل نادرست

نقشی که در آن قرار دارد، یعنی مادری و همسری، باید درست و در مسیر صحیح حرکت کند و یا آنجا که قرآن کریم در بیان جایگاه مرد می‌فرماید: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ مردان تدبیر کننده‌ی امور زنان هستند.^۲

هرکدام از زوجین، وقتی احساس آرامش خواهند کرد که در ایفای نقش خود موفق عمل کرده و رضایت همسر و فرزندان را جلب نمایند که در نتیجه رضایت قلبی زوجین را به همراه خواهد داشت.

تشخیص وظیفه و نقش، از مهم‌ترین ارکان این مسئله است. هرکدام از

زوجین باید تشخیص دهند، آیا درست ایفای نقش می‌کنند



می‌رساند) یا (باید ساخت) و (شرایط همه همین است) را دارد. مرد خانواده باید بداند که معاش و تأمین مالی خانواده با او است و باید برای کسب درآمد تلاش کند تا جایگاه خود را در خانواده به ثبات برساند. اگر تلاشی برای کسب درآمد و مدیریت مالی از سمت آقا نباشد، در چنین شرایطی جایجایی نقش‌ها صورت گرفته و زوجین نیز از نظر روحی تحت فشار هستند، زیرا در جای خود قرار نگرفته‌اند و نقش‌هایی را پذیرفته‌اند که متناقض با جنسیت و

و خطاهای شناختی فراوان، به کار بیرون از خانه ادامه می‌دهند و مدیریت مالی خانواده را به عهده می‌گیرند، این مطلب به این معنا است که اینجا جایجایی نقش‌ها صورت گرفته و خانم، نقش مرد خانواده را ایفا می‌کند که گاهی موجب مشکلاتی مثل اضطراب یا افسردگی در زن خانواده نیز خواهد شد. زیرا این نقش در ظرفیت جنسیتی او نیست. در نقش همسری و پدری نیز باید توجه کرد که کارهای مردانه و کسب درآمد برای خانواده و مدیریت مالی از وظایف آقایان است. اما گاهی مشاهده می‌شود که پدر، نقش یک زن را ایفا کرده و جایجایی نقش‌ها اتفاق می‌افتد، در چنین خانواده‌ای قدرت دست‌زن بوده و مرد فردی است که کسب درآمدی ندارد و یا نسبت به معاش خانواده بی‌تفاوت است، این شخص برای اینکه خانواده خود را از نظر مالی تأمین کند تلاشی نمی‌کند و باورهای اشتباهی مثل (خدا



از کارخانه و نگهداری بچه‌ها خسته شوند و به کار بیرون از خانه حتی بدون دریافتی مالی روی بیاورند و دچار خطا شوند و نسبت به بیرون از خانه احساس تکلیف بیشتری کنند و خانه و خانواده را برای این مسئله تحت فشار قرار دهند. در اینجا مشکل دیدگاه است. دیدگاه آن خانم به یک زن و وظایفش و کار بزرگی که خداوند به او سپرده است. آیا کاری بزرگ‌تر و پراهمیت‌تر از تربیت فرزندان که قرار است یک مادر یا پدر شوند و آن‌ها نیز نسلی سالم تربیت کنند، در دنیا وجود دارد؟ قداست مادر بودن و وظیفه سنگینی که خداوند بر عهده یک مادر و زن خانواده گذاشته است همیشه باید در نظر یک خانم، عظیم و باارزش باشد و در صورت نقص در این دیدگاه موجب خطا و اشتباه خواهد شد و مسیری را انتخاب خواهد کرد که در آینده موجب پشیمانی و افسوس می‌شود. وظایفی که بر عهده

ویژگی‌های ذاتی آن‌ها است. در یک خانواده‌ی سالم، هر فردی نقش خودش را به خوبی ایفا می‌کند و همه افراد وظایف متناسب با جایگاه و جنسیت خود را به عهده‌دارند. توازن شخصیت‌ها و مرزهای بین روابط به بهترین شکل در چنین خانواده‌هایی رعایت می‌شود و حال روحی اعضای خانواده خوب خواهد بود.^۴ اولویت مادر خانواده باید، خانه، فرزندان و همسر باشد و تمام تلاش و زمان خود را برای بهتر عمل کردن در این حیطه خرج کند. متأسفانه بعضی از خانم‌ها فکر می‌کنند که این کار کم و کوچک است و یا کار روزمره که به عهده‌دارند، کم‌ارزش است. نگاه آن‌ها به جایگاهی که دارند موجب می‌شود



در تصوّر تو نمی‌گنجد. و هرگاه کودکش را شیر می‌دهد، در برابر هر مکیدنی، ثوابی معادل آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل برایش وجود دارد. و چون از شیردادن فراغت یابد، فرشته‌ای برپهلوی او می‌زند و می‌گوید: زندگی را از نو آغاز کن، که آمرزیده شدی».^۵

این نگاه دین به جایگاه زن در خانواده به عنوان مادر و همسر باید الگوی زندگی زنان مسلمان قرار گیرد و هرگاه احساس کردند که نگهداری از فرزندان و رسیدگی به همسرکاری بیهوده است، این روایت را برای خود مرور کنند تا ارزش جایگاه و وظیفه خود را بهتر بدانند.

یک زن گذاشته شده آن قدر بارزیش است که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هر زنی که در خانه‌ی شوهر خود، به قصد مرتّب کردن آن، چیزی را جا به جا کند، خداوند عز و جل به او نظر [لطف] می‌کند و خدا به هر کس نظر [لطف] کند، عذابش نمی‌کند».

أم سلمه گفت: همه خوبی‌ها [و ثواب‌ها] را مردها از آن خود کرده‌اند. پس چه چیزی برای زنان بیچاره می‌ماند؟

پیامبر ﷺ فرمود: «آری. هرگاه زن، باردار شود، به منزله‌ی روزه‌دارِ شب‌زنده‌داری است که باجان و مال خود، در راه خدا جهاد می‌کند. پس چون وضع حمل کند، برایش چنان مزدی هست که عظمتش

پی‌نوشت

۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۲. نساء/۳۴
۳. برای مطالعه بیشتر رک: سبک زندگی اسلامی، محمد کاویانی، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم، ۱۳۹۴.
۴. برای مطالعه بیشتر رک: نقش زن در تعادل عاطفی و روانی خانواده، زهره سوزنی، انتشارات نیک پرداز تهران، ۱۳۸۹.
۵. امالی شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، انتشارات کتابچی، تهران ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۱۱.



تربیت صحیح کودکان

کوثر بخشی جویباری - کارشناس روانشناسی و مشاوره

برای موفقیت اجتماعی، تحصیلی و شغلی آن‌ها، نیاز است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم:

① خویشتن‌داری و عزت‌نفس؛

در مرحله‌ی اول لازم است بدانیم بدون خویشتن‌داری پدر و مادر، فرزند درخطر تبدیل‌شدن به انسانی خودخواه و طلب کار است. زیرا همیشه خواسته‌ها و نیاز او

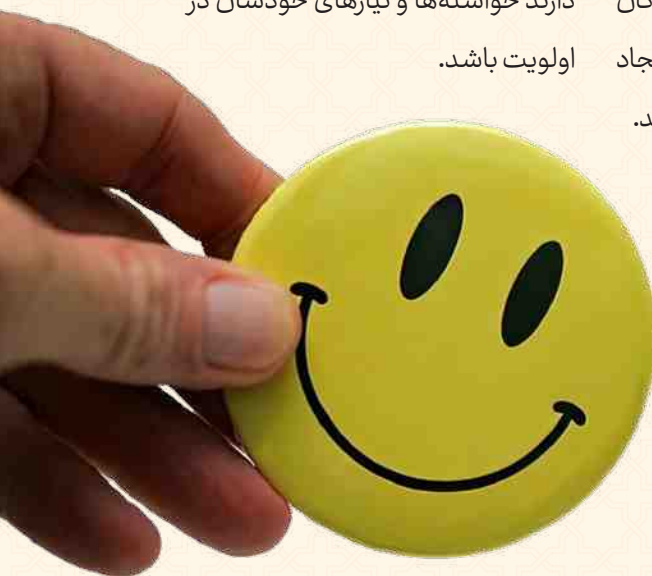
امروزه شاید اصلی‌ترین چالش پیش روی خانواده‌ها، مسئله‌ی تربیت صحیح و سالم فرزندان است که با توجه به اهمیت این مسئله، لازم است طلاب و مبلغان دینی هم‌جهت تذکر برخی مهارت‌های مؤثر به عموم مردم، در تحقق این مهم سهیم باشند. بدون شک در تربیت صحیح فرزندان دانستن یک سری مسائل و آموزش مهارت‌هایی

است، که گاهی بر نیاز و احساسات خودمان نیز ترجیح پیدا می‌کند. این مسئله گاهی باعث پرورش دادن مهارت شناخت خوب از بد و صحیح از غلط است. کودکان باید یاد بگیرند به خوبی به بزرگ‌ترها گوش فراداده‌و به آن‌ها احترام بگذارند و در صورت نیاز به کمکشان بروند. زیرا در غیر این صورت کودکانی لوس و پرتوقعی تربیت خواهیم کرد که به دیگران احترام نگذاشته‌و به خواسته‌های اطرافیان‌شان هیچ اعتنایی نمی‌کنند و همیشه انتظار دارند خواسته‌ها و نیازهای خودشان در اولویت باشد.

نسبت به اعضای خانواده در اولویت بوده است. چراکه اغلب والدین از نیاز خودشان به خاطر خوشحالی فرزندشان می‌گذرند و این موجب از بین رفتن خویشتن‌داری در کودک می‌شود که بخش بزرگی از آن، یادگیری «در انتظار نوبت بودن» است. البته غالباً در خانواده‌های دارای چند فرزند، بچه‌ها صبور بودن را تمرین می‌کنند، زیرا چاره‌ای جز این نداشته و به همین علت فرصت بیشتری دارند تا متوجه شوند که ممکن است نیاز دیگران به نیاز آنان اولویت داشته باشد. پس آماده و مهیا کردن سریع خواسته‌های کودکان لطف به آن‌ها نیست بلکه باعث ایجاد چالش‌های جدی برای آن‌ها خواهد شد.

۲ اخلاق خوب داشتن!

خوش‌اخلاقی نوعی احترام گذاشتن به احساسات و نیازهای دیگران



۱۳) برخوردها و رفتارهای والدین با دیگران؛

اشتباه است اگر فکر کنیم کودک ما، رفتارهای خودمحور ما را نمی‌بیند. هیچ چیزی نشنیده یا ندیده باقی نمی‌ماند. یعنی پدر و مادر باید به دقت رفتارهایی را که از فرزند خود انتظار دارند الگودهی کنند، مطابق همان جمله معروف که اکثر ما آن را شنیده‌ایم: «فرزند ما آن‌گونه که ما هستیم تربیت می‌شود، نه آن‌گونه که ما می‌خواهیم.» اگر به این جمله خوب دقت کنیم متوجه می‌شویم که رفتار ما الگوی زنده و قابل دسترس برای فرزندانمان هست. ۳ چون کودکان هرجایی که نیاز به

الگودارند اول به رفتار پدر و مادر خود توجه می‌کنند. پس نتیجه اینکه هر رفتاری که می‌خواهیم در فرزندمان نهادینه شود ابتدا باید در خودمان نهادینه کنیم تا الگوی خوب و مناسبی برای فرزندمان باشیم.

۱۴) تعریف تربیت و تأدیب؛

تربیت صحیح موجب می‌شود فرزندانمان عواطف و رفتارهایشان را کنترل کنند. در غیر این صورت تنبیه به‌عنوان یکی از ابزار تربیتی به کمک والدین می‌آید. اما منظور از تنبیه، الزاماً فیزیکی نیست چون تنبیه فیزیکی اثرات مخرب زیادی داشته و خانواده‌هایی که زیاد از این روش استفاده می‌کنند تأثیر این روش مخرب را حتی در بزرگسالی فرزندشان هم مشاهده



عواقبی برای عدم رعایت قواعد مشخص کنیم؛ مثلاً تا زمانی که تکالیف انجام نشده، تماشای تلویزیون و بازی کامپیوتری در طول هفته در کار نخواهد بود.

۵ بچه‌ها می‌توانند تصمیم بگیرند؛

نینا آشر روانشناس بالینی می‌گوید: «بچه‌های کوچک باید تصمیماتی در حد و اندازه‌ی بچه‌ها بگیرند.» یعنی تصمیم‌گیری کودکان باید در حد سن خودشان باشد و هم اینکه در همه امور نبوده و فقط در امور مربوط به خودشان اتفاق بی‌افتد. به‌طور مثال کودکان باید امروز به حمام بروند، رفتن و یا نرفتن به حمام جزء تصمیمات کودک نیست ولی می‌تواند در انتخاب زمان حمام رفتن تصمیم‌گیری کند (صبح حمام کند یا عصر).^۵

چند نمونه از تأثیرات قانون‌گذاری صحیح

برای تربیت فرزند کوچک:

می‌کنند. آن‌ها معمولاً فرزندی سرخورده، با اعتماد به نفس پایین یا فرزندی با رفتار خشن دارند، بنابراین بهتر است به جای تنبیه فیزیکی قوانین واضح و مشخصی را تعیین کرده و به کودک آموزش دهیم که باید این قوانین را رعایت کند و در صورت رعایت قوانین، تشویق و در صورت عدم رعایت این قوانین، محرومیت از علاقه‌مندی‌های او در حد سن کودک را به‌عنوان تنبیه، تعیین کنیم.^۴

اما لازم است در وضع قوانین تربیتی به

چند نکته توجه کرد:

قواعد کاملاً تثبیت شده‌ای برقرار کنیم؛ مثل تمیز کردن اتاق خود حداقل هفته‌ای یک‌بار.

قواعد را شرح دهیم؛ ما نمی‌توانیم تمام کارها را برای شما انجام دهیم، ما سخت کار می‌کنیم و واقعاً آخر روز خسته‌ایم پس کمک کردن تو واقعاً با ارزش است و ما ممنونیم.

لباس‌های مدرسه باید شب قبل آماده شوند. این کار گریه و مشاجره‌ی صبح را حذف می‌کند.

با هم شام خوردن یک اصل خانوادگی است و تماشای تنهایی تلویزیون در این زمان ممنوع است.

باید در آخر بازی، اسباب‌بازی‌ها مرتب و سر جای خود گذاشته شوند و گزینه دیگر بازی دیگری در کار نخواهد بود.

کیف مدرسه باید غروب آماده شود، که فردا صبح مدرسه دیر نشود.

اگر می‌خواهی صبح قبل از رفتن به مدرسه کارتون ببینی، صبحانه بخور و لباس‌ت را خودت بپوش.^۶

قاعده را به یاد داشته باشیم که انتقاد از رفتارهای غلط کودکان را به‌طور خصوصی به آن‌ها گوشزد کرده و درباره‌ی عواقب آن‌ها گفتگو کنیم، اما تعریف از خوبی‌ها و کارهای مثبت کودک را می‌توان در جمع و با حضور کودک انجام داد و از این روش برای نوعی تشویق به ادامه‌ی آن رفتار استفاده کرد. البته در این کار نیز نباید افراط کنیم و بدانیم که تعریف افراطی می‌تواند مانند بی‌توجهی، مخرب و مضر باشد.



پی‌نوشت

۱. رک: ۵۰۱ روش برای تقویت عزت‌نفس بچه‌ها از بدو تولد تا ۱۸ سالگی، ترجمه حسن نصیرنیا، انتشارات قدیانی، تهران ۱۳۹۵.
۲. رک: چگونه با کودکم صحبت کنم که گوش کند و چگونه گوش کنم که کودکم صحبت کند، ترجمه شمس‌الدین حسینی، انتشارات نسل نواندیش، تهران ۱۳۹۲.
۳. رک: آنچه فرزندان از روابط پدر و مادر می‌آموزند، ترجمه سیدمرتضی صفوی زاده، انتشارات نقش و نگار ۱۴۰۰.
۴. رک: تنبیه و تشویق کودکان خردسال، رضا حسین پور، انتشارات لک‌لک، تهران ۱۳۸۹.
۵. رک: تصمیم‌گیری در کودکان، رضا حسین پور، انتشارات لک‌لک، تهران ۱۳۸۹.
۶. رک: کلیدهای تربیتی برای والدین تک‌فرزند، ترجمه دکتر مسعود حاجی‌زاده، انتشارات صابرین، تهران ۱۳۹۵.

۶ از خوبی کودکمان تعریف کنیم؛

تعریف کردن در لحظه‌ی مناسب می‌تواند فرزند را به اطاعت از ما برانگیزد تا خواسته‌های والدین را بدون اخم یا بحث مداوم، انجام دهد. پس به‌طور کلی این



صبورا حسینی- کارشناس ارشد شیعه شناسی

تغییر مفهوم مهاجرت در غرب

مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۴ هر ساله ۱۵ می را به عنوان «روز جهانی خانواده» اعلام می‌کند. این روز در عرصه‌ی بین‌المللی بهانه‌ای است تا موضوع خانواده از منظرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. خانواده از ابتدای تاریخ تاکنون در بین تمامی جوامع بشری، به عنوان یک نهاد مقدس و اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. به گفته‌ی کارشناسان، امروزه در جوامع غربی فقط یک‌ششم خانواده‌ها به شکل سنتی حضور پیدا می‌کنند. خانواده‌ی سنتی یعنی خانواده‌ای که از پدر نان‌آور و مادر خانه‌دار و به همراه یک یا چند فرزند تشکیل شده است.^۱ امروزه در دنیای غرب این پدر نیست که بار مسئولیت مالی خانواده را به دوش

● نرخ صعودی طلاق؛

امروزه تعداد طلاق‌ها در هر سال، دو برابر بالاترین تعداد در سال ۱۹۶۶ و سه برابر بیش از سال ۱۹۵۰ شده است. بدون شک جهش ناگهانی میزان طلاق در افزایش چشمگیر تعداد خانوارهای تک سرپرست یا آنچه به «خانواده‌های ازهم‌پاشیده» شناخته می‌شود، دخیل بوده است.



● خانه‌های تک‌والد؛

تعداد خانوارهای تشکیل‌شده از یک زن و بچه‌هایش از سال ۱۹۶۰ تاکنون دو برابر شده است. رشد ناگهانی خانوارهای زن سرپرست با افزایش سریع تعداد

می‌کشد؛ بلکه در دنیای برابری مرد و زن، زن‌ها نیز باید در کنار مردان برای تأمین معاش خود تلاش کنند و درعین حال در صورت تشکیل خانواده بار خانه نیز بر دوش آن‌ها خواهد بود. این خود امری است که انگیزه‌ی تشکیل خانواده را برای زن‌ها بسیار کم‌رنگ نموده است. یک آشنایی سطحی با آمارهای سرشماری، عمق تغییراتی را که در زندگی خانواده رخ داده است نشان می‌دهد که در ادامه برخی از مهم‌ترین آن‌ها را ذکر می‌کنیم:



● بحران جمعیت؛

امروزه تعداد متوسط فرزند در هر خانواده، از ۳/۸ در اوج رونق بچه‌داری به کمتر از ۲ فرزند تنزل یافته است.

● زنان شاغل؛

با افزایش تعداد زنان شاغل، تصویر قدیمی پدر نان‌آور و مادر خانه‌دار فروشکسته است. در سال ۱۹۵۰ فقط بیست‌وپنج درصد زنان ازدواج کرده، که با همسرانشان زندگی می‌کردند، در خارج از خانه مشغول کار بودند. در اواخر دهه ۱۹۸۰ این رقم قریب شصت درصد شد.

هجوم زنان متأهل، که وارد نیروی کار می‌شدند، بخصوص در میان مادران دارای فرزند کم سن و سال، سریع‌تر بود. اکنون بیش از نیمی از تمام مادران

زوج‌هایی که با زندگی توافقی به سر می‌برند همراه شده، و تعداد آن‌ها از سال ۱۹۶۰ تاکنون چهار برابر گردیده است.

● رشد ناهنجاری‌ها؛

تقریباً همه جوانب زندگی خانواده تغییر یافته، آداب جنسی از اساس مورد بازبینی قرار گرفته است. در مقایسه با قبل، که آمیزش جنسی را تا پس از ازدواج به تأخیر می‌انداختند، امروزه فقط قریب یک‌پنجم زنان غربی فعالیت جنسی را به پس از ازدواج موقوف می‌کنند. سهم مولید رخ داده میان زنان مجرد چهار برابر شده است.



بچه‌مدرسه‌ای‌ها، شاغل هستند. در نتیجه، تنها اندکی از فرزندان کم سن می‌توانند خواستار توجه انحصاری مادرانشان باشند.^۲

بازتعریف مفهوم خانواده؛ صدور سند رسمی

برای زوج‌های هم‌جنس‌باز

اما در این میان راه‌حلی که به ذهن دنیای غرب رسیده است؛ بازتعریف مفهوم خانواده است. آن‌ها که بعد از این تغییرات اساسی دیگر توانایی بازگرداندن خانواده سنتی به جامعه‌ی خویش را نداشتند؛ سعی کردند مفهوم خانواده را به هر جمعی که باهم زندگی می‌کنند القا کنند. اشکال گوناگونی همچون مادران تنها و فرزندان زوج‌های ازدواج‌نکرده و زوج‌های هم‌جنس‌باز.

نکته حائز اهمیت این است که کشورهای مدعی حقوق بشر با به‌کارگیری کلمه «خانواده‌ها» به جای خانواده، سعی در رواج این کلمه دارند و تلاش می‌کنند تا ازدواج هم‌جنس‌گرایان، ازدواج سفید و ازدواج با حیوانات را به رسمیت بشناسند و کلمه «خانواده‌ها» را در کنوانسیون‌های بین‌المللی بگنجانند، البته تاکنون موفق نشده‌اند و با مخالفت دیگر کشورها مواجه بوده‌اند.

این تغییر سبک زندگی در غرب به جایی رسیده است که این نوع ازدواج‌ها در قانون ملی برخی از کشورهای غربی دیده شده و حتی عنوان آزادی به خود گرفته است؛ به طوری که برای این نوع ازدواج‌ها سند رسمی نیز صادر می‌کنند و حتی برخی از دولت‌های غربی مثل آمریکا، کانادا، فرانسه، انگلستان و ... همواره از این نوع ازدواج‌ها نهایت حمایت را به عمل آورده‌اند و قوانین را برای هرچه



آسان نمودن این نوع از رفتارهای عجیب، به راحتی تغییر می‌دهند.

بنابراین، بر اساس نگاه لیبرالیستی و فردگرایانه غرب از تعریف خانواده، هیچ‌گونه تفاوت نژادی، جنسیتی و طبقاتی ذاتی بین زن و مرد وجود ندارد. این بینش، تفاوت بین زن و مرد را زاییده محیط اجتماعی می‌داند. فردگرایی افراطی، مبنای خانواده لیبرال و اصالت در آن با میل فرد است و به تبع می‌توان دریافت، منافع افراد به شکل فردی مطرح است.

این در حالی است که نگرش اسلام به خانواده برعکس مکاتب و دیدگاه‌های غیر اسلامی که نگاهی تک‌بعدی دارد، بسیار عمیق و همه‌جانبه است و تمام ابعاد آن

از آغاز تا انتها، در همه مراحل و از زاویه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته و در هر مورد دستورات لازم ارائه گردیده است.^۳

اسلام خانواده را نهادی اجتماعی می‌داند که فرد در آن به کمال می‌رسد. اسلام در آیات مختلف در قرآن کریم بعد از دعوت به خدایپرستی، احترام به پدر و مادر را مهم‌ترین وظیفه مسلمانان می‌داند^۴ و این خود اولین قدم در راه تشکیل خانواده‌ای است با محوریت پدر و مادر در کنار فرزندان. از سوی دیگر در احادیث با واجب کردن پرداخت نفقه برای مرد، جایگاه زن را در خانواده مشخص ساخته است و با بالابردن مقام مادری، خانواده را به سوی تعالی هرچه بیشتر پیش برده است.

پی‌نوشت

۱. جایگاه خانواده در غرب؛ استیون مینتز، سوزان کلوک؛ ترجمه مرتضی مداحی، فصلنامه‌ی معرفت، سال ۱۳۸۶، شماره ۱۱۶.
۲. همان.
۳. برای مطالعه بیشتر رک: نظام خانواده در اسلام، حسین انصاریان، انتشارات دارالعرفان.
۴. « قَضِي رُبُّكَ اَلَّا تَعْبُدُوْا اِلَّا اِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا ». اسراء/۲۳





خاطرات تبلیغی

من و بچه‌هام

رها سلمانیان

آخه مشاور روان‌شناس بهم گفته بود: بچه‌ها خیلی از دیدن این عکس‌ها لذت می‌برن. اولش خیلی خوب بود، حسابی بهشون خوش گذشت؛ ولی توی یکی از فیلم‌ها که صدا و تصویر باباشون زیاد بود، دوباره یاد غصه‌هاشون افتادن و دل‌تنگ شدن. خیلی دلم می‌خواست چند دقیقه هم که شده تو حال خودم بچه‌ها بهانه می‌گرفتن، حق داشتن البته! سعی می‌کردم خودمو کنترل کنم و بهشون غر نزنم. سفره شام رو کمی زودتر از همیشه پهن کردم، یه شام سبک و خوشمزه شاید کمی آرومشون می‌کرد. سفره رو جلوی میز کامپیوتر انداختم و براشون عکس‌ها و فیلم‌های بچگی‌شون رو گذاشتم،

غصه‌ها و دل‌تنگی‌ها شو مزه کنه ، ولی همیشه بهمون می‌گفت: بابا داره برای تبلیغ دین خدا میره سفر، ما هم اگه بشه باهش بریم؛ باید با صبوری توی شرایط سخت سفر، کمکش کنیم؛ و اگه نمی‌شه باهش بریم، باید تا زمانی که برمی‌گرده، دوریش رو تحمل کنیم و مراقب همدیگه باشیم. مامان می‌گفت: اگه ما کمکش نکنیم نمی‌تونه به وظایفش خوب عمل کنه، می‌گفت: بابا سرباز امام زمانه و ما سرباز کوچولوها باید قوی باشیم و قدرتمند تا کمکش کنیم...

حرف‌های مامان بهمون انرژی می‌داد، ولی انصافاً شرایط سخت بود!

تو همین فکرها بودم که با صدای گریه بچه‌ها به خودم اومدم، یهو یه فکری به سرم زد، گفتم بیایید بازی کنیم؛ مثلاً ما هم همراه بابا رفتیم سفر و امشب باید توی راه چادر بزیم و توی چادر بخوابیم. ذوق بچه‌ها دیدنی بود! همه دویدن تو

تنها باشم و... ولی شدنی نبود، بچه‌ها گناه داشتن، دل‌تنگ بابا بودن و منم توی این سرما نمی‌تونستم ببرمشون بیرون. این کوچیکه هم از سر شب یه کم داغ بود و می‌ترسیدم برای حالش. بهشون گفتم بچه‌ها بیایید امشب همه باهم توی حال بخوابیم. انگار پیشنهاد اونقدرها هم جذاب نبود! یکم فکر کردم، اگر الان بچه بودم چی خوشحالم می‌کرد؟ (آخه این جور وقت‌ها، بهترین راهکار برای ارتباط و مدیریت بچه‌ها اینه که باهشون همزادپنداری کنی و خودتو بذاری جای اونا)

یاد بچگی خودم افتادم و اون شب‌هایی که بابا ما رو تنها می‌گذاشت و می‌رفت تبلیغ؛ گاهی ده روز، گاهی بیشتر؛ ولی خیلی سخت بود، خیلی. شب‌ها من صبر می‌کردم تا مامانم خوابش ببره، بعد گریه کنم! تا اون غصه نخوره. مامان هم منتظر بود ما بخوابیم تا بعدش کمی راحت‌تر

از روستاهای دورافتاده کشور به شدت مریض شد. جاده روستا خراب بود و نصف شب مجبور شدن با کامیون‌های بین‌راهی برسوندش شهر. پدر برای نماز جماعت و دسته عزاداری فردا ظهر باید برمی‌گشت روستا. دختر کوچولو تا صبح توی بیمارستان بود و الحمدلله بهتر شد و دوباره با یک تراکتور کشاورزی برگشتن روستا. وقتی رسیدن نزدیک اذان ظهر بود که دیدن اهالی روستا یک اسب سفیدرو آذین بسته و چند نفری هم بساط تعزیه راه انداخته بودن. دختر کوچولوی قصه ما که دیدن صحنه‌های تعزیه خیلی براش جالب بود به مادرش اصرار کرد تا به جای استراحت توی خونه‌ی عالم کنار مسجد، برای تماشای تعزیه به میدان اصلی روستا برن. از قضا با خبر شدن دختر کوچولویی که قرار بود نقش دختر امام حسین علیه السلام را در تعزیه بازی کنه، موقع تمرین آخر، زمین خورده

اتاق‌هاشون، لباس و وسیله‌هاشون رو توی کیف‌های کوچولوشون ریختن و آوردن و گفتن ما آماده‌ایم. با چند تا چادر و یه طناب وسط حال یه خیمه کوچولو درست کردم، یه پتو انداختیم، چراغ‌ها رو خاموش کردیم و با یه چراغ‌قوه رفتیم توی چادر. بچه‌ها کیف‌هاشون رو گذاشتن بالای سرشون و بالب خندون رفتن زیر پتو و منتظر بقیه بازی بودن، گفتم: اگر می‌خواهید براتون قصه بگم، چشمای خوشگل‌تون رو ببندید و خوب گوش کنین.



شروع کردم قصه دختر کوچولویی رو گفتم که توی سفر تبلیغی پدرش به یکی

دختر کوچولوی قصه ما که دیشب یکی از سخت‌ترین شب‌های زندگی‌اش روتوی بیمارستان گذرونده بود، حالا داشت یکی از قشنگ‌ترین خاطره‌های زندگی‌اش رو وسط تعزیه امام حسین علیه السلام می‌ساخت.

از همه چیز جالب‌تر برایش، همراهی دختر امام حسین علیه السلام توی سختی‌های سفر پا به پای پدر و بقیه همراهان بود. تعزیه تموم شد، ولی هنوز همه گریه می‌کردن! این لحظه‌ها هیچ‌وقت از ذهن اون دختر خوشگل پاک نشد.

یه نگاهی به چشم‌های خواب‌آلود بچه‌ها کردم؛ اشک‌هامو پاک کردم و کنارشون خوابیدم و ته دلم راضی بودم و خدا را شکر می‌کردم که یه شب دیگه تونستم در غیاب همسرم، بچه‌ها رو آرام و راضی بخوابونم.

و کمی زخمی شده. مادر و دختر حاج‌آقا اول به عیادت او رفتن. اهالی روستا با دیدن دخترخانم کوچولوی حاج‌آقا، بهش پیشنهاد دادن که نقش حضرت رقیه علیها السلام رو بازی کنه.



لازم نبود دیالوگ بگه؛ فقط باید لباس‌های سبز خوشگلی رو می‌پوشید، روبند سفید می‌زد، دست‌هاش رو به بقیه بازیگرها می‌بستند و توی کاروان همراه بقیه اسرا با دست‌های بسته حرکت می‌کرد. مادرش کمی نگران حالش بود ولی با توکل به خدا اجازه داد؛

«شما نیز می‌توانید تجربه‌ها و خاطرات
تبلیغی خود را با ما در میان بگذارید.»

از جان و دل ۲

خاطرات ارسالی از مخاطبان در اجرای طرح ۳۱۳

در شماره سوم ماهنامه به معرفی طرح

۳۱۳ پرداخته شد که به همت معاونت

تبلیغ و امور فرهنگی حوزه‌های علمیه و

معاونت امور فرهنگی کمیته امداد امام خمینی رحمته الله

راه‌اندازی شده بود، تا طلاب گرمی به همراه خانواده‌های خود

به نقاط محروم کشور رفته و در راستای محرومیت‌زدایی از اقشار محروم،

قدم‌هایی بردارند و مرهمی بر درد مردم بگذارند و مصداق عبارت «طیب دؤار

بطبه» باشند. در شماره پنجم ماهنامه، برخی از خاطرات ارسال شده از اجرای

این طرح توسط خانواده طلاب را روایت کردیم، در این شماره به ذکر یکی دیگر

از این خاطرات می‌پردازیم.

روستا در دامنه قله سیلان قرار داشت. منطقه‌ای با مناظر رنگارنگ پر از کوه‌ها دره‌ها و دشت‌ها که در مرز استان قزوین و مازندران قرار داشت. این منطقه از شمال به دره دو هزار و دشت و دریا سرتکابن و از جنوب به بخش رودبار الموت مشرف بود و بی‌شک این همه زیبایی خدادادی هر بیننده‌ای را مدهوش و متحیر می‌ساخت.

جاده پریپچ‌وخم و بسیار خطرناک هنیزتا حدودی آسفالت و بقیه خاکی بود.

آن روز هوا آفتابی بود اما چون روز قبل برف باریده بود، هنوز روی زمین آثار برف و خیزی زمین دیده می‌شد.

اولین خانواده‌ای که به آن‌ها سرزدیم دو دانش‌آموز ترک تحصیل داشت. خانواده دوم دختر دم بخت، خانواده سوم مشکل اعتیاد سرپرست و بدسرپرستی، خانواده چهارم چهار دانش‌آموز دختر در حال تحصیل داشت که پدر خانواده قصد

جایی که خداهست



«هنیز» یکی از روستاهای توابع الموت شرقی است جایی که می‌توان در آن خدا را دید!

قرار بود برای طرح ۳۱۳ اسامی پنج خانواده‌ی نیازمند را به حاج آقا بدهیم.

آن موقع من تازه مسئول واحد فرهنگی شده بودم و فقط به صورت تئوری در مورد طرح ۳۱۳ شنیده بودم.

به همراه روحانی و رئیس اداره راهی روستای هنیز شدیم.



رئیس اداره گفت: «زندگی زوایای مختلفی داره! گاهی تیره گاهی روشن ... این زوایا داخل انسان هم هست. تا این تیرگی‌ها رونبینی نمیتونی به درک روشنی‌ها برسی. تا اینجانباشیم و به این ملت کمک نکنیم نمی‌تونیم خدا رو ببینیم. خدا به‌طور ویژه شاهد و ناظر ما تو این روستاهاست. طوری که انگار توی روستاها توی تک‌تک کوچه پس کوچه‌هاش قدم می‌زنه. خدا ما رو واسطه کرده که کارش را انجام بدیم و اوامرش را اطاعت کنیم و خادم مخلوقاتش باشیم...»



شاید خیلی‌ها فکر کنند کارمندان کمیته امداد هم مثل سایر کارمندان در اداره

داشت یکی از دخترانش را که فقط ۱۴ سال سن داشت به اجبار شوهر بدهد. انگار روستایک دنیای جدیدی بود. تلفیقی از خانه‌های قدیمی و گلی با خانه‌های تازه ساخت. کوچه‌ها تنگ و باریک بودند و بارش برف آن‌ها را به کانالی از گِل تبدیل کرده بود. وقتی که در حال گذر کردن از این کوچه‌ها بودیم تمام حواسم را متمرکز کرده بودم که شُر نخورم و چادرم گلی نشود. در این حال و هوا بودم که رئیس اداره به من گفت: «**تا الآن چقدر خدا رو قبول داشتی؟!**» متعجب و سرگردان از این سؤال جواب دادم: «مگه میشه تو همچنین روستای به این دوری یه همچنین آسیب‌هایی وجود داشته باشه، بعضی از موارد حتی توی شهرهای بزرگ هم عجیبه.» روحانی که همراهمان بود گفت: «اینجا کارزار جنگه و خیلی باید قوی و پر اراده باشی که بتونی ریشه این مسائل رو از خانواده‌های این محل پاک کنی.»

خدا را در چهره خانواده‌ای دیدم که وقتی پدرشان از کمپ برگشته او را با محبت در آغوش گرفتند.

من خدا را در اشک شوق دختری نوجوان دیدم که فرصت ادامه تحصیل پیدا کرد و از ازدواج اجباری گریخت.

چقدر قشنگ بود دیدن این صحنه‌ها...
یادم هست یک بار روحانی به من گفت:

«خواهرم! شما کار خلق الله روراه بنداز

خدا کار تورا همیندازه.»

این جمله یک بمب برای تغییر نگرش من در این کار بود و واقعاً به لطف خدا و مرحمتش توانستم دیدگاهی برای جدایی از روزمرگی‌های زندگی برای خودم داشته باشم.

نساء جعفری، قزوین، الموت شرقی، معلم کلاپه،

روستای هنیز

پشت میز کارشان را انجام می‌دهند اما دنیای آن‌ها متفاوت است.

این افراد بخشی از سربازان لشکر خدا هستند و تک‌تکشان انتخاب می‌شوند که خادم مخلوقات خدا باشند. شاید کمتر کسی این مسئله را بداند اما من این را به چشم دیده‌ام.

من خداوند را در لبخند پسر بچه‌ای با چکمه‌های پلاستیکی گلی دیدم که از شدت ذوق می‌گفت: خاله این خوراکی‌ها همش مال منه...؟!

من خدا را در چشم‌های دختری دیدم که از شدت خوشحالی وقتی شنید جهیزیه‌اش مهیا شده به گریه افتاد.



ما تونیا بگیا



با مطالعه محتوای ماهنامه، پاسخ سؤالات مطرح شده را به صورت یک عدد ۵ رقمی از چپ به راست طبق نمونه (۱۴۳۱۲ - شماره ۶) به همراه نام نام خانوادگی، به آیدی esfahani_ess@arsal.com ارسال بفرمایید.
به افرادی که پاسخ صحیح داده باشند، هدایایی به قید قرعه اهداء خواهد شد.

۱ کدام گزینه شرط تحقق رضاع در شیردهی نوزاد نیست؟

- ۱ باید مستقیماً از دایه شیر بخورد نه از طریق شیشه و...
- ۲ نوزاد زیر دو سال باشد
- ۳ در آن مدت جز شیر غذایی دیگری نخورده باشد
- ۴ حداقل یک شبانه روز یا ۱۵ بار از دایه‌های مختلف شیر خورده باشد

۲ یکی از اصلی‌ترین پیش‌نیازهای حفظ تعهد افراد نسبت به اعضای خانواده به‌خصوص

همسرشان چیست؟

- ۱ توانایی مالی
- ۲ حفظ روابط اجتماعی
- ۳ پرهیز از فضای مجازی
- ۴ داشتن تحصیلات بالا

۳ برخی پنهان‌کاری‌ها، تماس‌های بی‌واشکی، به هم زدن قول و قرارهای قبلی و... موجب تشدید کدام

اختلال در شخص می‌شوند؟

- ۱ هیستریونیک یا نمایشی
- ۲ بایپولار یا دوقطبی
- ۳ بی‌پی‌دی یا مرزی
- ۴ پارانوئید یا بی‌اعتمادی

۴ گزینه صحیح در تربیت کودک کدام است؟

- ۱ وضع قوانین را به خود کودک واگذار کنیم
- ۲ برای تخلف از قوانین، عواقبی در نظر بگیریم
- ۳ قوانینی غیرقطعی و منعطف قرار دهیم
- ۴ خودمان آن قوانین را اجرا کنیم

۵ کدام گزینه در نظارت بر فرزندان در فضای مجازی اشتباه است؟

- ۱ نظارت در تمام امور
- ۲ نظارت قانون‌مند
- ۳ واکنش‌های آرام و منطقی
- ۴ نظارت با علم و آگاهی

برنده مسابقه شماره ۵ ماهنامه:

جناب آقای: سجاد سهروردی - از شهرستان تویسرکان

فراخوان مقالات

ماهنامه خانواده‌مبلمان

مرکز پژوهش‌های تبلیغی مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
در نظر دارد مقالاتی با موضوعات ذیل ویژه خانواده طلاب و مبلغان (همسران و فرزندان)
در قالب ماهنامه «خانواده مبلمان» به چاپ برساند.

موضوعات فراخوان:

۱. شیوه‌های تعامل خانواده مبلمان با نسل جوان؛
۲. راه‌های ایجاد نشاط و شادابی در خانواده مبلمان؛
۳. تأثیر رسانه‌ها و فضای مجازی بر تربیت فرزندان؛
۴. بیان تجربیات تبلیغی خانواده مبلمان و روحانیون؛
۵. تفریحات سالم برای خانواده مبلغ در محیط تبلیغی؛
۶. کودکی و نوجوانی فرزندان مبلمان؛ ویژگی‌ها و نیازها؛
۷. مدیریت روابط خانواده طلاب و مبلمان با خویشاوندان؛
۸. تبیین ارزش و آثار تبلیغ برای خانواده و فرزندان مبلمان؛
۹. تبیین ظرفیت‌های تبلیغی اعضای خانواده طلاب و مبلمان؛
۱۰. نیازهای آموزشی، مهارتی و هنری خانواده طلاب و مبلمان؛
۱۱. راهکارهای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در محیط تبلیغی و خانواده؛
۱۲. راهکارها و زمینه‌های اشتغال همسران طلاب و مبلمان (تحصیلی، تبلیغی و اشتغال خانگی).

امتیازات

- * پرداخت حق‌التألیف
- * چاپ مقاله به نام نویسنده
- * صدور گواهی و تأییدیه چاپ
- برای نهادها و مراکز

شرایط مقالات

- * حداکثر حجم مقالات ۱۰۰۰ کلمه تایپ شده؛
- * دارای نوآوری و خلاقیت؛
- * مناسب خانواده طلاب و مبلمان؛
- * ارائه راهکار در محتوای مهارتی.

از عموم طلاب (برادران و خواهران) علاقمند و صاحب نظر، دعوت می‌شود
مقالات و آثار علمی خود را به دفتر مجله ارسال نمایند.

راه‌های ارتباطی



شماره تماسی دفتر ماهانه:

۰۲۵-۲۱۳۲۵۶۵

آدرس: اینترنتی سامانه دریافت مقالات:

www.mobaleghankhanvade.ismc.ir



پدیرش حوزه های علمی برادران

جهت کسب اطلاعات بیشتر و یا ثبت نام به پایگاه اطلاع رسانی
سنجش و پذیرش حوزه های علمی (Paziresh.ismc.ir)
یا مدیریت های استانی و مدارس علمی سراسر کشور
مراجعه فرمایید.



Paziresh.ismc.ir

